با ایران توشه
یک قدم جلوتر
باش!

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت



ایران توشه، مرجع دانلود فایل های کمک آموزشی دانش آموزان و کنکوری ها

همه چیز
برای موفقیت
تو!

- دانلود رایگان آزمون های آزمایشی قلمچی، خیلی سبز، گاج و ...
- دانلود رایگان گام به گام تمامی دروس
- دانلود رایگان نمونه سوالات امتحانی (نوبت اول و دوم) و امتحانات نهایی
- دانلود رایگان جزوه های کمک آموزشی و شب امتحانی

کافیست هر فایلی که نیاز دارید را در گوگل به این صورت جستجو کنید:

فایل مورد نیاز + ایران توشه

مثال:

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه



irantooshe.ir

t.me/irantooshe

گام به گام جامعه‌شناسی (۱) دهم
فصل اول

عنوان فصل: زندگی اجتماعی

از صفحه‌ی ۱ تا صفحه‌ی ۶۰ کتاب

در این فایل پاسخ فعالیت‌ها، کارهای کلاسی، تمرین‌ها و پرسش‌های فصل زندگی اجتماعی آمده است.
مباحث فصل: کنش‌های ما، پدیده‌های اجتماعی، جهان اجتماعی، اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی، جهان‌های اجتماعی، پیامدهای جهان اجتماعی، ارزیابی جهان‌های اجتماعی

تهیه‌شده در ایران‌توشه، توشه‌ای برای موفقیت

irantooshe.ir

فهرست پرسش‌ها

۱ صفحه ۳ · موقعیت یادگیری — ویژگی‌های کنش انسان ۶

۲ صفحه ۴ · موقعیت یادگیری — آگاهی و اراده در کنش ۶

۳ صفحه ۵ · موقعیت یادگیری — هدف‌داری و معناداری کنش ۷

۴ صفحه ۶ · گفت‌وگو کنید — معنای کنش ۷

۵ صفحه ۶ · موقعیت یادگیری — آثار و پیامدهای کنش ۸

۶ صفحه ۸ · تحلیل کنید — پیامدهای ارادی و غیرارادی کنش ۹

۷ صفحه ۹ · خلاصه‌ی درس — درس اول: کنش‌های ما ۹

۸ صفحه ۱۰ · موقعیت یادگیری — کنش اجتماعی چیست؟ ۱۰

۹ صفحه ۱۱ · گفت‌وگو کنید — کنش در حضور دیگران بدون توجه به آنها ۱۱

۱۰ صفحه ۱۲ · نمونه بیاورید — انواع «دیگران» در کنش اجتماعی ۱۱

۱۱ صفحه ۱۲ · موقعیت یادگیری — پدیده‌های اجتماعی و آداب ۱۲

۱۲ صفحه ۱۴ · تکمیل جدول — ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی ۱۲

۱۳ صفحه ۱۴ · تأمل کنید — همانند پنداشتن پدیده‌های اجتماعی و طبیعی ۱۳

۱۴ صفحه ۱۵ · مقایسه کنید — پدیده‌ی طبیعی و پدیده‌ی اجتماعی ۱۳

۱۵ صفحه ۱۵ · تأمل کنید — وضعیت پدیده‌هایی مانند پول و تکنولوژی ۱۴

۱۶ صفحه ۱۶ · خلاصه‌ی درس — درس دوم: پدیده‌های اجتماعی ۱۴

۱۷ صفحه ۱۷ · موقعیت یادگیری — شباهت جهان اجتماعی و موجود زنده ۱۵

۱۸ صفحه ۱۸ · موقعیت یادگیری — تفاوت جهان اجتماعی با موجود زنده و آگاهی مشترک ۱۶

۱۹ صفحه ۱۹ · موقعیت یادگیری — تداوم جهان اجتماعی در طول نسل‌ها ۱۶

۲۰ صفحه ۲۰ · موقعیت یادگیری — انتقال فرهنگ ۱۷

۲۱ صفحه ۲۰ · گفت‌وگو کنید — انتقال فرهنگ توسط خانواده و مدرسه ۱۷

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲۲ صفحه ۲۰ · موقعیت یادگیری — گسترهٔ جهان اجتماعی: دسته‌بندی پدیده‌ها ... ۱۷

۲۳ صفحه ۲۱ · موقعیت یادگیری — معیار دسته‌بندی پدیده‌ها در جهان اجتماعی ... ۱۸

۲۴ صفحه ۲۲ · موقعیت یادگیری — ورود پدیده‌های طبیعی و ماوراءطبیعی به جهان اجتماعی ... ۱۹

۲۵ صفحه ۲۳ · نمونه بیاورید — پدیده‌های اعتباری و تکوینی در جهان اجتماعی ... ۱۹

۲۶ صفحه ۲۳ · بخوانیم و بدانیم — روش شناخت پدیده‌های اعتباری و تکوینی ... ۲۰

۲۷ صفحه ۲۴ · خلاصه‌ی درس — درس سوم: جهان اجتماعی ... ۲۰

۲۸ صفحه ۲۵ · موقعیت یادگیری — تشریح جهان اجتماعی ... ۲۱

۲۹ صفحه ۲۷ · موقعیت یادگیری — طیف خرد ـ کلان پدیده‌های اجتماعی ... ۲۲

۳۰ صفحه ۲۸ · موقعیت یادگیری — طیف ذهنی ـ عینی پدیده‌های اجتماعی ... ۲۳

۳۱ صفحه ۲۸ · هم‌اندیشی کنید — جایگاه پدیده‌ها روی دو طیف ... ۲۳

۳۲ صفحه ۲۹ · موقعیت یادگیری — لایه‌های جهان اجتماعی و اهمیت اجزا ... ۲۳

۳۳ صفحه ۳۰ · موقعیت یادگیری — عمیق‌ترین و سطحی‌ترین لایه‌ها و نیازهای جهان اجتماعی ... ۲۴

۳۴ صفحه ۳۱ · موقعیت یادگیری — تنوع نهادهای اجتماعی ... ۲۵

۳۵ صفحه ۳۱ · تفسیر و تکمیل کنید — لایه‌های نهادهای اجتماعی ... ۲۵

۳۶ صفحه ۳۲ · تمرین کنید — لایه‌های جهان اجتماعی اسلام و جهان عرب پیش از اسلام ... ۲۶

۳۷ صفحه ۳۳ · خلاصه‌ی درس — درس چهارم: اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی ... ۲۶

۳۸ صفحه ۳۴ · موقعیت یادگیری — یکسانی یا تنوع جهان‌های اجتماعی ... ۲۷

۳۹ صفحه ۳۵ · موقعیت یادگیری — علت تنوع جهان‌های اجتماعی ... ۲۸

۴۰ صفحه ۳۶ · موقعیت یادگیری — نوع تفاوت جهان‌های اجتماعی ... ۲۸

۴۱ صفحه ۳۷ · تحلیل کنید — تفاوت جهان اجتماعی اسلام و جهان عرب پیش از اسلام ... ۲۹

۴۲ صفحه ۳۷ · موقعیت یادگیری — مسیر رشد جهان‌های اجتماعی ... ۲۹

۴۳ صفحه ۳۸ · موقعیت یادگیری — تاریخ یکسان جهان‌های اجتماعی ... ۳۰

۴۴ صفحه ۳۹ · تفسیر کنید — نظریه‌ی استعمار ۳۰

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۴۵ صفحه ۴۰ · خلاصه‌ی درس — درس پنجم: جهان‌های اجتماعی ... ۳۰

۴۶ صفحه ۴۱ · موقعیت یادگیری — نقش اراده‌ی افراد در جهان اجتماعی ... ۳۱

۴۷ صفحه ۴۳ · تحلیل کنید — فرصت‌ها و محدودیت‌های ممنوعیت همراه داشتن جزوه در امتحان ... ۳۲

۴۸ صفحه ۴۳ · موقعیت یادگیری — فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی ... ۳۲

۴۹ صفحه ۴۴ · موقعیت یادگیری — فرصت‌ها و محدودیت‌های قوانین راهنمایی و رانندگی ... ۳۳

۵۰ صفحه ۴۵ · تحلیل کنید — تحلیل دقیق‌تر آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی مدثر ... ۳۳

۵۱ صفحه ۴۵ · گفت‌وگو کنید — رابطه‌ی نظم و آزادی در جامعه‌ی عادل ... ۳۴

۵۲ صفحه ۴۶ · تأمل کنید — حقوق و تکالیف ۳۴

۵۳ صفحه ۴۶ · موقعیت یادگیری — ویژگی‌های جهان متجدد ... ۳۵

۵۴ صفحه ۴۷ · موقعیت یادگیری — تصویر جهان‌ها از طبیعت و ویژگی‌های جهان متجدد ... ۳۵

۵۵ صفحه ۴۹ · تفسیر کنید — فیلم «عصر جدید» ۳۶

۵۶ صفحه ۴۹ · موقعیت یادگیری — ارزیابی فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان‌های اجتماعی ... ۳۶

۵۷ صفحه ۵۰ · خلاصه‌ی درس — درس ششم: پیامدهای جهان اجتماعی ... ۳۶

۵۸ صفحه ۵۱ · موقعیت یادگیری — قلمرو واقعی و آرمانی ۳۷

۵۹ صفحه ۵۳ · نمونه بیاورید — آرمان‌های جامعه در درون و بیرون قلمرو واقعی ... ۳۷

۶۰ صفحه ۵۳ · موقعیت یادگیری — ارزیابی آرمان‌ها ۳۸

۶۱ صفحه ۵۴ · موقعیت یادگیری — ارزیابی خود آرمان‌ها: حق و باطل ... ۳۸

۶۲ صفحه ۵۵ · نمونه بیاورید — آرمان‌های حق ۳۹

۶۳ صفحه ۵۵ · موقعیت یادگیری — آیا حق و باطل تابع جهان‌های اجتماعی‌اند؟ ... ۳۹

۶۴ صفحه ۵۶ · موقعیت یادگیری — چاپلوسی و وابستگی حق و باطل به تمایلات ... ۳۹

۶۵ صفحه ۵۷ · بخوانیم و بدانیم — ارزیابی فرهنگ‌ها: سوگواری غربی‌ها و ایرانی‌ها ... ۴۰

۶۶ صفحه ۵۸ · شناسایی کنید — ارزش‌ها و هنجارهای باطل ... ۴۰

۶۷ صفحه ۵۹ · خلاصه‌ی درس — درس هفتم: ارزیابی جهان‌های اجتماعی ... ۴۱

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱ صفحه ۳ موقعیت یادگیری

به نظر شما فعالیت‌های انسان چه تفاوتی با فعالیت مخلوقات دیگر دارد؟

کنش ویژگی‌هایی دارد که آن را از فعالیت مخلوقات دیگر متمایز می‌کند. به نظر شما این ویژگی‌ها کدام‌اند؟

وقتی می‌خواهید برای اولین بار از یک کالای پیچیده مانند تلویزیون یا تلفن همراه استفاده کنید، به دفترچه‌ی راهنمای آن مراجعه می‌کنید. ولی پس از آن، دیگر سراغی از دفترچه‌ی راهنما نمی‌گیرید؛ مگر اینکه مشکلی پیش بیاید، چرا؟

در جلسه‌ی امتحان نشسته‌اید و شرایط مناسب محیطی، اجتماعی و فردی فراهم است. در چه صورتی، از پاسخ به پرسشی باز می‌مانید؟

فرد گرسنه‌ای به جزیره‌ای خالی از سکنه وارد می‌شود. او هیچ شناختی درباره‌ی مواد غذایی آنجا ندارد. به نظر شما این فرد برای رفع گرسنگی‌اش چه می‌کند؟

1. انسان کار خود را با آگاهی، اراده و هدف انجام می‌دهد و می‌تواند به آن معنا بدهد، اما فعالیت مخلوقات دیگر (چرخش ماه، حرکت ابر، جریان آب، برگ و بار دادن درخت) بر پایه‌ی قوانین طبیعی یا غریزه است و آنها نه از روی آگاهی و انتخاب عمل می‌کنند و نه هدفی را خود تعیین می‌کنند.
2. کنش انسان **آگاهانه**، **ارادی**، **هدف‌دار** و در نتیجه **معنادار** است.
3. چون در بار اول آگاهی لازم برای استفاده از وسیله را نداریم و دفترچه این آگاهی را به ما می‌دهد؛ پس از آنکه آگاهی کسب شد، دیگر نیازی به دفترچه نیست و تنها وقتی آگاهی ما ناکافی باشد (مشکلی پیش بیاید) دوباره به آن رجوع می‌کنیم. این نشان می‌دهد کنش به آگاهی وابسته است.
4. وقتی پاسخ آن پرسش را ندانیم یا آن را فراموش کرده باشیم، یعنی آگاهی لازم را نداشته باشیم؛ حتی با وجود شرایط مناسب بدون آگاهی نمی‌توان پاسخ داد.
5. چون آگاهی ندارد، می‌کوشد با مشاهده، پرسش (در صورت وجود کسی)، مقایسه با دانسته‌های قبلی و آزمون و خطا آگاهی کسب کند (مثلاً با احتیاط و کم می‌چشد، به میوه‌های شبیه خوراکی‌های آشنا و به رفتار حیوانات توجه می‌کند) و بر اساس همین آگاهی تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.
irantooshe.ir

۲ صفحه ۴ موقعیت یادگیری

حتماً برای شما پیش آمده که در انجام کاری، بر سر دو راهی قرار گرفته باشید. مانند اینکه پس از برگشت از دبیرستان، بهتر است ابتدا استراحت کنید و بعد تکالیف درسی خود را انجام دهید یا برعکس. قرار گرفتن بر سر دو راهی‌ها، یکی از ویژگی‌های کنش انسانی را نشان می‌دهد. آن ویژگی کدام است؟

با توجه به ارادی بودن کنش، آیا فعالیت‌هایی مانند ضربان قلب، گردش خون، بسته شدن ناخودآگاه چشم در مواجهه با خطر و... کنش محسوب می‌شوند؟ چرا؟

آیا کنش انسان‌ها همیشه براساس آگاهی صحیح صورت می‌گیرد؟ و آیا افراد در همه موارد به آگاهی موجود در کنش‌هایشان توجه دارند و از آن باخبرند؟

1. ویژگی **ارادی بودن** کنش؛ انسان آگاه است که چند راه پیش رو دارد و با اراده و اختیار خود یکی را برمی‌گزیند.
2. خیر، کنش محسوب نمی‌شوند؛ زیرا این فعالیت‌ها به اراده‌ی انسان وابسته نیستند و بدون خواست او و به‌طور طبیعی و غیرارادی انجام می‌شوند. کنش باید هم آگاهانه و هم ارادی باشد.
3. خیر؛ گاهی آگاهی ما ناقص یا نادرست است (مثلاً اطلاعات غلط یا خبر ناموثق را باور می‌کنیم) و کنش بر پایه‌ی آن ممکن است نادرست باشد. همچنین همیشه به آگاهی‌ای که در پشت کنش‌هایمان هست توجه نداریم؛ مثلاً در بسیاری از کارهای عادی و روزمره بدون اینکه بدانیم چرا و بر پایه‌ی چه باوری آنها را انجام می‌دهیم، عمل می‌کنیم. برای همین باید در آگاهی‌ها و کنش‌هایمان تأمل کنیم.

۳ صفحه ۵ موقعیت یادگیری

فردی از میان جمع برمی‌خیزد و در و پنجره‌ی اتاق را باز می‌کند. اگر از او بپرسند چرا چنین کاری کردی، چه می‌گوید؟

آیا انسان‌های مختلف در انجام کنش‌هایشان، هدف‌های یکسانی دارند؟

1. می‌گوید برای اینکه هوای اتاق عوض شود، هوا خنک یا تازه شود (یا مثلاً اتاق گرم شده بود). یعنی کنش او هدفی داشته است؛ هر کنشگری برای کنش خود هدف و دلیلی دارد.
2. خیر. افراد مختلف ممکن است یک کنش یکسان را با هدف‌های متفاوت انجام دهند؛ مثلاً یک نفر کنار رودخانه می‌رود تا ماهی بگیرد، دیگری برای لذت بردن از صدای آب و دیگری برای شنا. همچنین هدف‌ها برحسب آگاهی و اراده‌ی افراد متفاوت است و به همین دلیل کنش‌ها معنای متفاوتی پیدا می‌کنند.

۴ صفحه ۶ گفت‌وگو کنید

بوق زدن راننده، یک کنش است. درباره‌ی معناهای مختلف آن با یکدیگر گفت‌وگو کنید.

یک رسم رایج در منطقه یا محله زندگی خودتان بیابید و معانی آن را بیان کنید.

۱) بوق زدن راننده در موقعیت‌های مختلف معناهای متفاوتی دارد و مخاطب نیز باید معنای آن را دریابد؛ مثلاً: هشدار دادن به عابر یا خودرویی که در حال خطا است؛ درخواست راه برای عبور؛ اعتراض یا ابراز ناراحتی از رفتار راننده‌ی دیگر؛ سلام و احوال‌پرسی با آشنا؛ اعلام شادی (مثلاً در مراسم عروسی)؛ و یادآوری سبز شدن چراغ راهنما.

۲) نمونه: رسم دعوت از همسایگان و خویشاوندان و پخت و پخش غذا (نذری) در ماه محرم. معانی آن: ابراز ارادت به اهل بیت (ع)، کمک به نیازمندان، تقویت همبستگی و پیوند میان مردم محله و ادای احترام به عزاداری‌ها. نمونه‌ی دیگر: رفتن به دیدار بزرگ‌ترها در عید نوروز (دید و بازدید) که معنای آن احترام به بزرگ‌ترها، صله‌ی رحم و تحکیم روابط خانوادگی است.

۵ صفحه ۶ **موقعیت یادگیری**

مدتی از شروع کلاس درس سپری شده است؛ همه غرق درس‌اند. ناگهان دانش‌آموزی در می‌زند و اجازه‌ی ورود می‌خواهد. به نظر شما کنش او چه تغییراتی در کلاس ایجاد می‌کند؟ درباره‌ی آثار و پیامدهای کنش او گفت‌وگو کنید. آیا می‌توانید آنها را دسته‌بندی کنید؟

از لقمان حکیم پرسیدند؛ حکمت از که آموختی؟ گفت: از نابینایان که تا جای نبینند پای ننهند! سعدی در این بیان، چه چیزی را به ما توصیه می‌کند؟

به نظر شما شناخت آثار و پیامدهای کنش، چه اهمیتی دارد؟

هر کنشی آثار و پیامدهایی دارد. آیا پیامدهای کنش نیز همانند خود کنش، وابسته به آگاهی و اراده‌ی انسان‌هاست؟

1. پیامدها: حواس دانش‌آموزان پرت می‌شود و درس قطع می‌شود؛ معلم باید به او پاسخ دهد (اجازه بدهد یا نه، تذکر بدهد)؛ ممکن است دانش‌آموز تأخیرکننده نمره‌ی انضباطی بگیرد یا در جایی بنشیند؛ همکلاسی‌ها واکنش نشان می‌دهند. دسته‌بندی: برخی پیامدها به اراده‌ی افراد (معلم، دانش‌آموزان یا خود دانش‌آموز) وابسته‌اند (مثل اجازه‌ی ورود دادن یا تذکر دادن)، ولی برخی خودبه‌خود رخ می‌دهند و به اراده‌ی کسی بستگی ندارند (مثل قطع شدن ریسمان افکار و پرت شدن حواس کلاس).
2. سعدی توصیه می‌کند پیش از انجام هر کاری به عاقبت و نتیجه‌ی آن فکر کنیم و با آگاهی از پیامدها گام برداریم، همان‌طور که نابینایان تا مطمئن نشوند قدم نمی‌گذارند.
3. کسی که از پیامدهای کنش خود آگاه باشد، می‌تواند با انتخاب درست، از پیامدهای نامطلوب پرهیز کند و به نتایج مطلوب برسد؛ بنابراین توجه به آثار و پیامدها از خطا و زیان جلوگیری می‌کند و مسئولیت‌پذیری ما را افزایش می‌دهد.

4. همه‌ی پیامدها چنین نیستند. برخی پیامدها (پیامدهای ارادی) به آگاهی و اراده‌ی انسان‌ها وابسته‌اند و خودشان کنش‌اند؛ اما برخی دیگر (پیامدهای غیرارادی) نتیجه‌ی طبیعی کنش‌اند و به اراده‌ی انسان وابسته نیستند.

۶ صفحه ۸ تحلیل کنید

«آدمی در گرو عمل خویش است» (سوره‌ی مدثر، آیه‌ی ۳۸)

پیامدهای ارادی و غیرارادی هر یک از کنش‌های زیر را مشخص کنید.

تحلیل آیه: هر کنش آثار و پیامدهایی دارد و انسان با نتایج کنش‌های خود روبه‌رو می‌شود و در برابر آنها مسئول است. پیامدهای غیرارادی کنش قطعی‌اند و پیامدهای ارادی احتمالی؛ پس انسان باید پیش از عمل، آثار آن را بسنجد، زیرا سرنوشت او با کنش‌هایش گره خورده است.

پیامدهای کنش‌ها

کنش	پیامدهای ارادی (وابسته به اراده‌ی کنشگر)	پیامدهای ارادی (وابسته به اراده‌ی دیگری)	پیامدهای غیرارادی
ورزش کردن	ورزش حرفه‌ای و ورزشکار حرفه‌ای شدن؛ ادامه دادن به ورزش و پیشرفت در آن	مورد تحسین دیگران قرار گرفتن؛ دعوت شدن به باشگاه یا تیم	تندرستی؛ نشاط و توان بدنی بیشتر
سیگار و قلیان کشیدن	ترک یا معتاد شدن به آن	مورد نکوهش دیگران قرار گرفتن؛ تذکر یا جریمه	آسیب و بیماری برای خود و دیگران
رعایت حیا	ادامه دادن به رعایت حیا و تقویت آن در خود	احترام و اعتماد دیگران به فرد	آرامش خاطر و حفظ شخصیت و کرامت فرد
کنترل خشم	تصمیم به حل مشکل با گفت‌وگو و بخشش	قدردانی و دوستی دیگران؛ پایان یافتن اختلاف	آرامش روانی و کاهش فشار عصبی؛ حفظ سلامت جسم

۷ صفحه ۹ خلاصه‌ی درس

مفاهیم اساسی درس را بنویسید.

مطالب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید (خلاصه کنید).

آنچه از این درس آموختیم: جمله‌ها و گزاره‌ها را در قالب یک بند بنویسید.

مفاهیم اساسی: کنش، کنشگر، آگاهانه، ارادی، هدف‌دار، معنادار، پیامدهای کنش، پیامدهای ارادی، پیامدهای غیرارادی.

- کنش، فعالیت آگاهانه، ارادی و هدف‌دار انسان است و کسی که آن را انجام می‌دهد کنشگر نام دارد.
- کنش آگاهانه است؛ یعنی بدون آگاهی انجام نمی‌شود. کنش ارادی است؛ یعنی تا اراده‌ی انسان نباشد انجام نمی‌شود. کنش هدف‌دار است؛ یعنی انسان با قصد خاصی عمل می‌کند.
- کنش انسان بر خلاف فعالیت سایر مخلوقات، معنادار است و انسان‌ها با توجه به معنای کنش خود آن را انجام می‌دهند.
- هر کنش پیامدهایی دارد. پیامدهای ارادی به اراده‌ی خود کنشگر یا دیگران وابسته‌اند، احتمالی‌اند و خودشان کنش‌اند.
- پیامدهای غیرارادی نتیجه‌ی طبیعی کنش‌اند، به اراده‌ی افراد بستگی ندارند و قطعی‌اند.
- آگاهی از پیامدهای کنش مهم است و انسان باید پیش از عمل در عاقبت آن بیندیشد.

هر انسان با آگاهی و اراده و برای رسیدن به هدفی کنش می‌کند و به همین دلیل کنش او معنادار است. هر کنش پیامدهایی به‌دنبال دارد؛ بعضی به اراده‌ی انسان‌ها (کنشگر یا دیگران) وابسته‌اند و احتمالی‌اند و بعضی نتیجه‌ی طبیعی کنش‌اند و قطعی‌اند. پس باید پیش از هر کاری به پیامدهای آن بیندیشیم.

۸ صفحه ۱۰ موقعیت یادگیری

به تنهایی مشغول خوردن غذا هستیم که دوستی وارد می‌شود. چه تغییری در کنش ما رخ می‌دهد؟ لباس پوشیدن ما در موقعیت‌های مختلف، متفاوت است؛ ما در پوشیدن لباس، دیگران را در نظر می‌گیریم. با در نظر گرفتن دیگران، کنش فردی ما به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود. منظور از کنش اجتماعی چیست؟ ما به دوست خود سلام می‌کنیم یا پاسخ سلام او را می‌دهیم. با ورود معلم به کلاس، از جا بر می‌خیزیم. هنگام سوار شدن به اتوبوس، حق تقدم را رعایت می‌کنیم و به هم تعارف می‌کنیم. هنگام گفت‌وگو، به حرکات و سخنان طرف مقابل توجه می‌کنیم و... . ویژگی مشترک این کنش‌ها چیست؟

1. با ورود دوست، به آداب غذا خوردن در حضور دیگران (دعوت کردن او، نحوه‌ی نشستن و خوردن، لقمه‌گرفتن و...) توجه می‌کنیم و شیوه‌ی غذا خوردن ما تغییر می‌کند. **کنش اجتماعی** کنشی است که با توجه به دیگران انجام می‌شود؛ یعنی آگاهی و اراده‌ی کنشگر ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنها است.
2. ویژگی مشترک همه‌ی آنها این است که کنشگر در انجام آنها دیگران را در نظر دارد و آگاهی و اراده‌اش ناظر به دیگران است؛ یعنی همگی کنش اجتماعی‌اند.

۹ صفحه ۱۱ گفت‌وگو کنید

به نظر شما، کنش‌هایی که در حضور دیگران ولی بدون توجه به آنها اتفاق می‌افتند کنش اجتماعی‌اند؟ برای مثال وقتی فردی در کلاس درس حضور دارد، ولی بی‌توجه به اطرافیان، در ذهن خود رودخانه‌ای خروشان را تخیل می‌کند، کنش اجتماعی انجام داده است؟

خیر؛ کنش اجتماعی صرفاً به معنای حضور فیزیکی دیگران نیست، بلکه کنشی است که با توجه به دیگران انجام شود. فردی که در کلاس نشسته ولی در ذهن خود رودخانه‌ای را تخیل می‌کند، به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنها توجهی ندارد؛ پس کنش او یک کنش درونی و فردی است نه اجتماعی. در مقابل، ممکن است کسی تنها باشد (مثلاً در نیمه‌شب پشت چراغ قرمز بایستد) ولی چون مقرراتی را رعایت می‌کند که مورد قبول دیگران است، کنش او اجتماعی باشد.

۱۰ صفحه ۱۲ نمونه بیاورید

انواع مختلفی از «دیگران» ذکر شده است. تلاش کنید در ارتباط با هر کدام، یک کنش اجتماعی مثال بزنید:
غریبه / آشنا؛ دوست / دشمن؛ گذشتگان / معاصران / آیندگان؛ مؤمن / کافر / منافق.
آیا تاکنون فکر کرده‌اید که این آداب چگونه شکل می‌گیرند، چگونه دوام می‌آورند یا تغییر می‌کنند؟

- **غریبه:** راهنمایی کردن مسافری که آدرس را گم کرده است؛ **آشنا:** احوال‌پرسی گرم و دید و بازدید با همسایه و خویشاوند.
- **دوست:** کمک به دوست در حل مشکلش و تبریک گفتن به او؛ **دشمن:** رعایت انصاف و عدالت در مورد او و اجتناب از ظلم و بدگویی نسبت به وی (و دفاع از خود در برابر تجاوز).
- **گذشتگان:** یادبود و احترام به شهیدان، زیارت قبور و رعایت وصیت‌های آنان؛ **معاصران:** رعایت حقوق همسایگان و همکلاسی‌ها؛ **آیندگان:** حفظ محیط زیست و پرهیز از اسراف در منابع طبیعی برای نسل‌های بعد.
- **مؤمن:** سلام و همکاری و برادری با او؛ **کافر:** رفتار عادلانه و مدارا با او و در عین حال پرهیز از پیروی از باورهای باطل؛ **منافق:** احتیاط و هوشیاری در برابر او و پرهیز از اعتماد به ظاهرسازی‌های وی.

آداب، به‌وسیله‌ی کنش‌های اجتماعی انسان‌ها شکل می‌گیرند و از طریق جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی به نسل‌های بعد منتقل می‌شوند؛ هرگاه مردم به آنها عمل کنند دوام می‌یابند و هرگاه رعایت نکنند یا شرایط و آگاهی‌ها تغییر کند، تغییر می‌کنند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱۱ صفحه ۱۲ موقعیت یادگیری

به پدیده‌های اطرافتان توجه کنید. با کمک دبیر خود تعدادی از آنها را روی تخته بنویسید. برخی از پدیده‌هایی که نوشته‌اید، اجتماعی‌اند. آیا می‌توانید آنها را مشخص کنید؟ چرا این پدیده‌ها را اجتماعی می‌دانید؟ این پدیده‌ها چه ارتباطی با کنش اجتماعی دارند؟

در درس هنر، یکی از سرمشق‌هایی که از روی آن خط می‌نوشتند این جمله بود؛ «ادب آداب دارد». اگر از شما خواسته می‌شد که درباره‌ی این جمله مطلبی بنویسید، چه می‌نوشتید؟

فکر کنید کوچه‌ها، خیابان‌ها و خط‌کشی‌های مسیر خانه تا مدرسه چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای شما فراهم می‌کنند.

1. پدیده‌هایی مانند کوه، آسمان، درخت و رودخانه طبیعی‌اند؛ ولی مدرسه، خیابان، پلیس، بانک، پول، خانواده، زبان، قانون، تعطیلات رسمی و احترام به معلم اجتماعی‌اند. این پدیده‌ها را اجتماعی می‌دانیم چون محصول کنش‌های اجتماعی انسان‌ها یا پیامد آنها هستند و انسان‌ها آنها را در ارتباط با هم و با آگاهی و اراده پدید آورده‌اند. پدیده‌ی اجتماعی همان کنش اجتماعی و پیامدهای آن است و بدون کنش اجتماعی شکل نمی‌گیرد.
2. می‌نوشتم: هر رفتار و کنشی را در هر موقعیتی شیوه و قاعده‌ای است؛ ادب یعنی رعایت آداب و رسومی که احترام به دیگران را نشان می‌دهد. نوع «دیگران» (بزرگ‌تر، کوچک‌تر، آشنا، غریبه، معلم، پدر و مادر) و موقعیت (مدرسه، مهمانی، مسجد) شکل ادب را تعیین می‌کند. بدون این آداب زندگی اجتماعی دشوار و پر از تنش می‌شد.
3. فرصت‌ها: رفت و آمد آسان و ایمن، رسیدن سریع به مدرسه، شناخت جهت‌ها و مسیرها، عبور از خیابان در محل مشخص. محدودیت‌ها: باید از مسیرهای مشخص و پیاده‌رو رفت و آمد کرد، از خط‌کشی عابر عبور کرد، به سرعت مجاز و چراغ قرمز توجه داشت و نمی‌توانیم از هر جای خیابان بگذریم.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱۲ صفحه ۱۴ تکمیل جدول

ارزش (هدف) و هنجار (شیوه و روش) در جدول را تکمیل کنید: نظم، ادب، عفت، حجاب، ثروت.

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی

ارزش (هدف)	هنجار (شیوه و روش)
نظم	وسایلمان را در جای مناسب بگذاریم؛ در صف نوبت را رعایت کنیم.
ادب	به دیگران سلام کنیم و سلام دیگران را پاسخ دهیم؛ هنگام سخن گفتن با بزرگ‌ترها محترمانه رفتار کنیم.
عفت	حجاب داشته باشیم؛ در گفتار و رفتار حریم‌ها را رعایت کنیم.
حجاب	پوشش شرعی داشته باشیم.
ثروت	از راه‌های مشروع و حلال مانند کار و تلاش و تجارت سالم ثروت به دست آوریم؛ قراردادهای مالی را با صداقت ببندیم و مالیات و حقوق شرعی را بپردازیم.

ارزش‌ها از جنس هدف و مقصودند و هنجارها از جنس وسیله و روش رسیدن به آنها.

۱۳ صفحه ۱۴ تأمل کنید

در مورد همانند پنداشتن پدیده‌های اجتماعی و آثار و پیامدهای آن تأمل کنید؛ نادیده گرفتن تفاوت علوم طبیعی با علوم انسانی و اجتماعی از این جمله‌اند.

پدیده‌های اجتماعی به‌مرور از سازندگانشان مستقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی پدید می‌آورند، به‌طوری که افراد گمان می‌کنند مانند پدیده‌های طبیعی ثابت، جبری و تغییرناپذیرند. این پندار خطاست؛ زیرا پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها با آگاهی و اراده ساخته‌اند و می‌توانند آنها را تغییر دهند، آنها معنادارند و برخلاف پدیده‌های طبیعی با اراده‌ی انسان‌ها ایجاد و دگرگون می‌شوند. نتیجه‌ی این همانندپنداری: پذیرش بی‌چون‌وچرای وضع موجود (جبرگرایی)، مسئولیت‌گریزی و نادیده گرفتن تفاوت روش علوم طبیعی با علوم انسانی و اجتماعی است؛ در حالی که برای شناخت پدیده‌های اجتماعی باید معنای کنش‌ها و آگاهی و اراده‌ی انسان‌ها را در نظر گرفت.

توشه ای برای موفقیت

۱۴ صفحه ۱۵ مقایسه کنید

کوه یک پدیده‌ی طبیعی و ساختمان اداری، پدیده‌ای اجتماعی است. با مقایسه‌ی آنها، تفاوت پدیده‌های طبیعی و اجتماعی را تشریح کنید. (معیارها: نقش انسان‌ها در پیدایش آن، معنادار بودن، محسوس بودن)

مقایسه‌ی کوه و ساختمان اداری

معیار	کوه	ساختمان اداری
نقش انسان‌ها در پیدایش آن	انسان‌ها نقشی در پیدایش آن ندارند؛ به‌صورت تکوینی و طبیعی به وجود آمده است.	انسان‌ها با آگاهی، اراده و کنش‌های اجتماعی خود آن را پدید آورده‌اند (طراحی، ساخت، تعریف نقش‌ها و قوانین).
معنادار بودن	فی‌نفسه معنا ندارد؛ معنایی که ما به آن می‌دهیم بیرون از ذات آن است.	معنادار است؛ برای مردم معنایی چون خدمت‌رسانی، مسئولیت، قانون و نظم دارد و بر اساس همین معنا با آن رفتار می‌کنند.
محسوس بودن	فقط بعد محسوس و مادی دارد.	هم بعد محسوس دارد (در و دیوار) و هم بعد نامحسوس و ذهنی (مقررات، نقش‌ها، معانی و ارزش‌ها).

نتیجه: پدیده‌ی اجتماعی را انسان می‌سازد، معنادار است و بعد ذهنی و معنایی دارد؛ ولی پدیده‌ی طبیعی را انسان نساخته است.

۱۵ صفحه ۱۵ تأمل کنید

شما در مورد وضعیت سایر پدیده‌های اجتماعی همچون پول، تکنولوژی و ... تأمل کنید.

پول و تکنولوژی را انسان‌ها برای رفع نیازها و آسایش خود ساخته‌اند؛ ولی گاه خود به هدف تبدیل می‌شوند و انسان در خدمت آنها قرار می‌گیرد. مثلاً پول که وسیله‌ی تبادل و رفع نیاز است، ممکن است هدف زندگی شود و انسان را به حرص، ثروت‌اندوزی و غفلت از ارزش‌های انسانی بکشاند. تکنولوژی (مانند تلفن همراه و فضای مجازی) که برای ارتباط و آسانی کارها ساخته شده، ممکن است وقت و توجه انسان را بگیرد، روابط حضوری را کم کند و ما را وابسته سازد. باید این پدیده‌ها را در جایگاه وسیله نگه داشت تا در خدمت سعادت بشر باشند.

۱۶ صفحه ۱۶ خلاصه‌ی درس

مفاهیم اساسی درس را بنویسید.

مطالب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید (خلاصه کنید).

آنچه از این درس آموختیم: جمله‌ها و گزاره‌ها را در قالب یک بند بنویسید.

مفاهیم اساسی: پدیده‌ی اجتماعی، کنش اجتماعی، هنجار اجتماعی، ارزش اجتماعی، جامعه‌پذیری، کنترل اجتماعی، پدیده‌های خرد و کلان.

- به کنش اجتماعی و پیامدهای آن، پدیده‌ی اجتماعی می‌گویند.

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

- کنش اجتماعی کنشی است که با توجه به دیگران انجام می‌شود و آگاهی و اراده‌ی کنشگر ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنان است.
- کنش اجتماعی خردترین پدیده‌ی اجتماعی است و سایر پدیده‌های اجتماعی آثار و پیامدهای آن‌اند.
- ارزش‌های اجتماعی پدیده‌های مطلوب و خواستنی‌اند و هنجارهای اجتماعی شیوه‌های پذیرفته‌شده‌ی انجام کنش اجتماعی. ارزش‌ها از جنس هدف و هنجارها از جنس وسیله‌اند.
- ارزش‌ها و هنجارها از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق می‌یابند و جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی آنها را به افراد منتقل می‌کنند.
- پدیده‌های اجتماعی معنادارند، به‌مرور از سازندگانشان مستقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی پدید می‌آورند؛ با این حال آنها را نباید مانند پدیده‌های طبیعی دانست.

پدیده‌ی اجتماعی همان کنش اجتماعی و پیامدهای آن است. ارزش‌ها و هنجارها با کنش‌های اجتماعی ساخته و منتقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای افراد پدید می‌آورند. هرچند پدیده‌های اجتماعی به‌مرور از سازندگانشان مستقل می‌شوند، محصول آگاهی و اراده‌ی انسان‌اند و با پدیده‌های طبیعی تفاوت دارند.

۱۷ صفحه ۱۷ موقعیت یادگیری

به نظر شما «موجود زنده» و «جهان اجتماعی» چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی باهم دارند؟
آیا می‌توانید با توجه به تصاویر صفحه‌ی بعد، ویژگی‌های بالا (اندام و اعضای متفاوت، وابستگی اعضا و تأمین نیاز یکدیگر، عمل اعضا در ارتباط با هم برای حفظ حیات، چینش و نظم مناسب برای هدف مشترک) را برای دوستانتان تشریح کنید؟

1. **شباهت‌ها:** هر دو از اعضا و اجزای مختلفی تشکیل شده‌اند؛ اعضا به هم وابسته‌اند و نیازهای یکدیگر را تأمین می‌کنند؛ اعضا برای حفظ کل در ارتباط با هم عمل می‌کنند و نظم و چینش مناسبی برای رسیدن به هدف مشترک دارند. (در جهان اجتماعی نیز مانند موجود زنده اعضایی چون خانواده، مدرسه، دولت و بازار وجود دارند.) **تفاوت‌ها** در ادامه‌ی درس بیان می‌شود: عضویت و نظم در موجود زنده تکوینی است، اما در جهان اجتماعی اعتباری و بر اساس آگاهی و اراده‌ی انسان‌هاست، و موجود زنده از راه وراثت تداوم می‌یابد ولی جهان اجتماعی با انتقال فرهنگ.
2. مثلاً در بدن انسان قلب، مغز، ریه و دست هر یک وظیفه‌ای دارند و نیازهای یکدیگر را تأمین می‌کنند (مثلاً قلب به مغز خون می‌رساند و مغز قلب را کنترل می‌کند) و همه برای حفظ حیات بدن هماهنگ عمل می‌کنند. در جهان اجتماعی نیز کشاورز، معلم، پزشک، کارگر، خانواده و مدرسه هر یک کاری برعهده دارند، به هم وابسته‌اند و با نظم مشخص در جهت رفع نیازهای جامعه و ادامه‌ی زندگی مشترک عمل می‌کنند.

۱۸ صفحه ۱۸ موقعیت یادگیری

به نظر شما چه تفاوت‌هایی میان بدن موجود زنده و جهان اجتماعی وجود دارد؟

آیا بدون این آگاهی‌های مشترک، بازی فوتبال ممکن می‌شود؟

1. عضویت اعضا در بدن موجود زنده و نظم میان آنها **تکوینی** است؛ یعنی بر اساس آگاهی و اراده‌ی اعضا به وجود نمی‌آید و با اراده‌ی آنها نیز تغییر نمی‌کند (قلب نمی‌تواند تصمیم بگیرد کار دیگری انجام دهد). اما عضویت در جهان اجتماعی و نظم میان اعضای آن **اعتباری** است و با آگاهی و اراده‌ی انسان‌ها و بر اساس قرارداد آنها شکل می‌گیرد و تغییر می‌کند. جهان اجتماعی بیشتر شبیه بازی گروهی است.
2. خیر. در بازی فوتبال بازیکنان، داوران و تماشاگران باید آگاهی‌های مشترکی داشته باشند: قواعد بازی را بدانند، عضویت و نقش یکدیگر را بشناسند و وظایف و انتظارات یکدیگر را بپذیرند. بدون این آگاهی‌های مشترک بازی شکل نمی‌گیرد. جهان اجتماعی نیز بدون آگاهی مشترک (فرهنگ) شکل نمی‌گیرد.

۱۹ صفحه ۱۹ موقعیت یادگیری

تاکنون یکی از تفاوت‌های مهم جهان اجتماعی و بدن موجود زنده، آشکار شد. آیا می‌توانید تفاوت دیگری را بیان کنید؟

به نظر شما جهان اجتماعی چگونه طی نسل‌ها تداوم می‌یابد؟

1. موجود زنده طول عمر معین دارد و با زاد و ولد زندگی خود را تداوم می‌بخشد و ویژگی‌هایش (رنگ، جنس، قد و...) از راه وراثت منتقل می‌شود؛ اما جهان اجتماعی از راه وراثت زیستی منتقل نمی‌شود و عمر مشخص و محدودی مانند موجودات زنده ندارد. همچنین تنوع جهان اجتماعی (که در درس‌های بعد می‌آید) برخلاف موجودات زنده‌ی هم‌نوع است که از نظر ساختار یکسان‌اند.
2. جهان اجتماعی با انتقال فرهنگ (آگاهی‌های مشترک) به نسل‌های بعد تداوم می‌یابد. هر نسل فرهنگ خود را به نسل بعد منتقل می‌کند و اگر نسلی نتواند فرهنگ خود را حفظ یا منتقل کند، جهان اجتماعی آن فرو می‌ریزد یا به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

۲۰ صفحه ۲۰ موقعیت یادگیری

به نظر شما فرهنگ با چه روشی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد؟

فرهنگ از راه وراثت منتقل نمی‌شود، بلکه از راه **آموزش و یادگیری** یعنی جامعه‌پذیری و تعلیم و تربیت (در خانواده، مدرسه، رسانه‌ها، گروه دوستان و...) منتقل می‌شود. نسل‌های پیشین، آگاهی‌ها، باورها، ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی خود را به نسل بعد می‌آموزند و نسل بعد آنها را می‌پذیرد، به کار می‌گیرد و گاه در آنها تغییراتی ایجاد می‌کند.

۲۱ صفحه ۲۰ گفت‌وگو کنید

چه بخشی از فرهنگ توسط خانواده و کدام بخش آن توسط مدرسه انتقال می‌یابد؟ نمونه‌هایی را بیان کنید.

- **خانواده:** زبان مادری و گویش، آداب غذا خوردن و پوشش، اولین باورها و عقاید دینی (مانند آشنایی با خدا و نماز)، آداب و رسوم تولد و عروسی و عزاداری، احترام به بزرگ‌ترها، عادت‌های اخلاقی و سبک زندگی.
- **مدرسه:** دانش و مهارت‌های علمی (خواندن، نوشتن، ریاضی، علوم)، زبان معیار و ادبیات، تاریخ و هویت ملی و دینی، قوانین و مقررات اجتماعی، آداب کار گروهی و رعایت نظم و نوبت و آشنایی با شیوه‌های یادگیری.
- بخش‌هایی از فرهنگ مانند ارزش‌های اخلاقی را هر دو نهاد انتقال می‌دهند و باید با یکدیگر هماهنگ باشند.

۲۲ صفحه ۲۰ موقعیت یادگیری

به نظر شما کدام یک از پدیده‌های زیر، درون جهان اجتماعی قرار می‌گیرند؟ خانواده، ستارگان، احترام به قانون، فلزات، دولت، زلزله، عدالت، مدرسه، صلح، امنیت، کارخانه، رودخانه، خیابان، بیابان، خویشاوندان، حزب، کارمند، مسجد، آب و اتوبوس. برای پاسخ، جدول را تکمیل کنید: پدیده‌هایی را که مطمئن هستید درون جهان اجتماعی‌اند در ستون اول و مواردی را که یقین دارید بیرون از جهان اجتماعی هستند در ستون دوم بنویسید. مواردی را که درباره‌ی آنها شک دارید در ستون سوم درج کنید.

دسته‌بندی پدیده‌ها

درون جهان اجتماعی	بیرون جهان اجتماعی	؟ (مورد تردید)
خانواده	ستارگان	زلزله
احترام به قانون	فلزات	آب
دولت	رودخانه	بیابان
عدالت		
مدرسه		
صلح		
امنیت		
کارخانه		
خیابان		
خویشاوندان		
حزب		
کارمند		
مسجد		
اتوبوس		

توضیح: پدیده‌های اجتماعی (محصول کنش‌های انسان‌ها) مانند خانواده و قانون و دولت درون جهان اجتماعی‌اند. ستارگان و فلزات را انسان نساخته و ارتباط مستقیمی با کنش‌های اجتماعی او ندارند. زلزله، آب، رودخانه و بیابان پدیده‌های طبیعی‌اند که به‌واسطه‌ی ارتباط با زندگی انسان (مثلاً مقابله با زلزله و خشکسالی، استفاده از آب) می‌توانند به جهان اجتماعی راه یابند؛ به همین دلیل جای آنها محل تردید بود.

توشه‌ای برای موفقیت

۲۳ صفحه ۲۱ موقعیت یادگیری

قاعده و معیار شما برای این دسته‌بندی چه بود؟

آیا برای تشخیص پدیده‌هایی که به جهان اجتماعی تعلق دارند، معیار و قاعده‌ی خاصی وجود دارد؟

1. معیار من این بود که اگر پدیده‌ای حاصل کنش‌ها و ارتباط‌های اجتماعی انسان‌ها باشد (مانند خانواده، دولت و قانون)، درون جهان اجتماعی است؛ پدیده‌هایی که انسان آنها را نساخته و ارتباطی با زندگی اجتماعی او ندارند، بیرون از آن‌اند؛ و پدیده‌های طبیعی که ممکن است بر زندگی اجتماعی اثر بگذارند، مورد تردید بودند.

2. بله. پدیده‌های اجتماعی (که حاصل کنش اجتماعی انسان‌اند) با اطمینان به جهان اجتماعی تعلق دارند. پدیده‌های طبیعی و ماوراءطبیعی نیز اگر با زندگی اجتماعی انسان ارتباط پیدا کنند و بر کنش‌ها و زندگی او اثر بگذارند وارد جهان اجتماعی می‌شوند.

۲۴ صفحه ۲۲ موقعیت یادگیری

پدیده‌های طبیعی نیز می‌توانند به جهان اجتماعی راه یابند. آیا می‌دانید چگونه؟
آیا می‌دانید شناخت فلزات و ستارگان چگونه می‌تواند بر زندگی انسان تأثیر بگذارد؟
آلودگی طبیعت و محیط زیست، نتیجه‌ی کارهای شتاب‌زده و نابخردانه‌ی انسان‌هاست. آیا همین آلودگی به نوبه‌ی خود، زندگی اجتماعی انسان را متأثر نمی‌سازد؟
ورود پدیده‌های طبیعی به جهان اجتماعی باعث گسترش آن می‌شود؛ ولی جهان اجتماعی می‌تواند از این هم گسترده‌تر شود. آیا می‌دانید چگونه؟

1. پدیده‌های طبیعی وقتی با زندگی و کنش‌های اجتماعی انسان ارتباط پیدا می‌کنند و بر آنها اثر می‌گذارند، وارد جهان اجتماعی می‌شوند. مثلاً زلزله و خشکسالی، انسان‌ها را به وضع قواعدی (مانند مقررات ساخت و ساز مقاوم) و انجام کنش‌هایی (ساخت سیلو و انبار، ابداع قنات و کشاورزی متناسب با آب‌وهوا) وامی‌دارند.
2. شناخت فلزات (مانند آهن و مس) به ساخت ابزار، ماشین و بنا و پیدایش صنایع منجر شده و شیوه‌ی زندگی و اقتصاد را تغییر داده است. شناخت ستارگان به تعیین زمان، جهت‌یابی، تقویم و کشاورزی و سفرهای دریایی و فضایی کمک کرده است؛ پس این شناخت‌ها بر کنش‌ها و زندگی انسان اثر می‌گذارند و آنها را وارد جهان اجتماعی می‌کنند.
3. بله؛ آلودگی هوا و آب و تخریب محیط زیست بر سلامت مردم، اقتصاد، مهاجرت‌ها و روابط اجتماعی اثر می‌گذارد و قوانین و رفتارهای تازه‌ای (مانند محدودیت‌های ترافیکی و حفاظت از محیط زیست) را لازم می‌سازد؛ به این ترتیب این پدیده‌ی طبیعی وارد جهان اجتماعی می‌شود.
4. با ورود پدیده‌های ماوراءطبیعی؛ شناخت خداوند، فرشتگان و جهان ماوراءطبیعی، آرمان‌ها و ارزش‌های زندگی انسان‌ها را تغییر می‌دهد و کنش‌های اجتماعی آنان را دگرگون می‌سازد. همچنین سنت‌ها و قوانین الهی (مانند پاداش عدالت‌پیشگان و کیفر ستمگران) بر زندگی جوامع اثر می‌گذارند.

۲۵ صفحه ۲۳ نمونه بیاورید

جهان اجتماعی شامل دو دسته پدیده‌ی زیر است. برای هر دسته، پنج مثال بیاورید. «پدیده‌های اعتباری»: کنش‌ها و پیامدهای آنها (خانواده، ترافیک، ...). «پدیده‌های تکوینی»: پدیده‌هایی که انسان آنها را ایجاد

نمی‌کند ولی به‌واسطه‌ی ارتباطی که با زندگی انسان دارند به جهان اجتماعی راه می‌یابند (دریا، شیطان، فرشته، ...).

نمونه‌های پدیده‌های جهان اجتماعی

پدیده‌های اعتباری	پدیده‌های تکوینی
خانواده	دریا
ترافیک	زلزله
مدرسه	خشکسالی
قانون و مقررات	فرشته
پول	شیطان
دولت	رودخانه و کوه

۲۶ صفحه ۲۳ **بخوانیم و بدانیم**

به نظر شما آیا روش شناخت پدیده‌های اعتباری و پدیده‌های تکوینی (طبیعی و ماوراءطبیعی) یکسان است؟ آیا درست است که روش مناسب شناخت یک نوع از پدیده‌ها (مثلاً روش حسی مناسب پدیده‌های طبیعی است) را به انواع دیگر پدیده‌ها تعمیم و تسری دهیم؟

خیر، روش شناخت آنها یکسان نیست. پدیده‌های طبیعی را با روش حسی و تجربی می‌شناسیم؛ پدیده‌های اجتماعی (اعتباری) به‌دلیل معنادار بودنشان نیازمند فهم معنا و آگاهی کنشگران‌اند؛ و پدیده‌های ماوراءطبیعی (مانند خدا و فرشتگان) با حس و تجربه قابل مشاهده نیستند و با روش عقلی و وحیانی شناخته می‌شوند. بنابراین درست نیست روش مناسب یک نوع پدیده را به همه‌ی انواع تعمیم دهیم؛ مثلاً اگر روش تجربی را تنها راه شناخت بدانیم، پدیده‌های ماوراءطبیعی و ارزش‌ها را انکار یا نادیده می‌گیریم. هر پدیده روش شناخت متناسب با خود را می‌طلبد.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.
irantooshe.ir

۲۷ صفحه ۲۴ **خلاصه‌ی درس**

مفاهیم اساسی درس را بنویسید.

مطالب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید (خلاصه کنید).

آنچه از این درس آموختیم: جمله‌ها و گزاره‌ها را در قالب یک بند بنویسید.

مفاهیم اساسی: جهان اجتماعی، پدیده‌های تکوینی و اعتباری، فرهنگ، فرهنگ عمومی، خرده‌فرهنگ، خرده‌فرهنگ موافق، ضدفرهنگ، گسترهٔ جهان اجتماعی.

- مجموعه‌ی پدیده‌های اجتماعی، جهان اجتماعی را شکل می‌دهد.
- جهان اجتماعی با موجود زنده شباهت دارد (اعضای متفاوت، وابستگی، ارتباط و نظم برای هدف مشترک) و تفاوت‌هایی نیز دارد؛ عضویت و نظم در موجود زنده تکوینی است ولی در جهان اجتماعی اعتباری و با آگاهی و اراده‌ی انسان‌ها پدید می‌آید.
- آگاهی‌های مشترک اعضای جهان اجتماعی «فرهنگ» نام دارد؛ فرهنگ شیوه‌ی زندگی گروهی از انسان‌هاست.
- آن بخش از فرهنگ که همه در آن مشترک‌اند، فرهنگ عمومی و بخش‌های وابسته به قوم یا گروه، خرده‌فرهنگ است. خرده‌فرهنگ سازگار با فرهنگ عمومی، خرده‌فرهنگ موافق و ناسازگار با آن، ضدفرهنگ است.
- جهان اجتماعی با انتقال فرهنگ (نه وراثت) به نسل‌های بعد تداوم می‌یابد.
- پدیده‌های طبیعی و ماوراءطبیعی به‌واسطه‌ی ارتباط با زندگی اجتماعی انسان به جهان اجتماعی راه می‌یابند و گسترهٔ آن را افزایش می‌دهند؛ مرز جهان اجتماعی همان مرز دانش آن است.

جهان اجتماعی مجموعه‌ی پدیده‌های اجتماعی و شبیه به موجود زنده است؛ با این تفاوت که عضویت و نظم آن اعتباری است و با آگاهی مشترک (فرهنگ) شکل می‌گیرد و با انتقال فرهنگ به نسل‌های بعد ادامه می‌یابد. پدیده‌های طبیعی و ماوراءطبیعی نیز اگر با زندگی انسان ارتباط یابند، به قلمرو جهان اجتماعی وارد می‌شوند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲۸ صفحه ۲۵ **موقعیت یادگیری**

در پزشکی، دانشی به نام تشریح یا کالبدشناسی وجود دارد که اجزای بدن انسان و محل قرار گرفتن آنها را شناسایی می‌کند. درباره‌ی آن، چه می‌دانید؟

آیا می‌توان همانند یک کالبدشناس، اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را شناخت؟

شما فکر می‌کنید تشریح جهان اجتماعی چگونه صورت می‌گیرد؟ اجزای آن کدام‌اند و شناسایی آنها چه فایده‌ای دارد؟

1. تشریح دانشی است که درباره‌ی اعضای بدن و چگونگی ترکیب آنها بحث می‌کند و اهدافی دارد؛ از جمله شناخت کمال صنع الهی (هماهنگی شگفت‌انگیز آفرینش) و دست یافتن به علل بیماری‌ها و درمان آنها. تشریح اساس علم پزشکی است و پزشک بدون آن نمی‌تواند درمان کند.

2. بله، تا حدی می‌توان با کمک مقایسه، جهان اجتماعی را به اجزا و لایه‌های مختلف تقسیم کرد و هر بخش را شناخت؛ ولی باید توجه داشت که این شناخت دقیقاً مانند تشریح پزشکی نیست، زیرا جهان اجتماعی با بدن موجود زنده تفاوت‌های عمیقی دارد.

3. با تقسیم جهان اجتماعی براساس معیارهای مختلف (مانند اندازه و دامنه، میزان عینی یا ذهنی بودن و میزان اهمیت و عمق) اجزای آن را شناسایی می‌کنیم. اجزای آن همان پدیده‌های اجتماعی‌اند. فایده‌ی این شناخت آن است که بتوانیم نقش و اثر هر بخش را دریابیم، مشکلات را بهتر تشخیص دهیم و برای حل آنها برنامه‌ریزی کنیم.

۲۹ صفحه ۲۷ **موقعیت یادگیری**

آیا می‌توانید پدیده‌های اجتماعی زیر را روی طیف خرد ـ کلان قرار دهید؟ کلاس درس، مدرسه، نظام آموزشی
به نظر شما تقسیم‌بندی پدیده‌های اجتماعی به خرد و کلان چه فوایدی دارد؟ برای پاسخ به این پرسش، به میزان اثرگذاری خود بر پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان یا اثرپذیری از آنها بیندیشید.
به نظر شما حل کدام یک از مشکلات سه‌گانه‌ی مذکور (بیکاری فردی که خود شایستگی و مهارت لازم را ندارد؛ بیکاری افراد یک شهر که نظام توزیع مناسبی از مشاغل در شهر آنها وجود ندارد؛ و بیکاری افراد زیادی که به دلیل نبود مشاغل کافی در جامعه بیکارند) آسان‌تر است؟ چرا؟
به نظر شما پدیده‌هایی مانند گروه‌ها و سازمان‌ها در کجای این طیف جای می‌گیرند؟ چرا؟

1. کلاس درس (خرد) ← مدرسه (میانه) ← نظام آموزشی (کلان).

2. با این تقسیم‌بندی می‌توانیم میزان اثرگذاری و اثرپذیری پدیده‌ها را بشناسیم: پدیده‌های کلان بر پدیده‌های خرد اثر می‌گذارند و دامنه‌ی اثر گسترده‌تر دارند (مثلاً نظام آموزشی بر مدرسه و کلاس اثر می‌گذارد) و تغییر آنها دشوارتر است؛ پدیده‌های خرد کوچک‌ترند و تغییر آنها آسان‌تر است ولی دامنه‌ی اثرشان محدود است. این شناخت به ما کمک می‌کند برای حل مسائل اجتماعی، مشکل را در سطح مناسب پیگیری کنیم.

3. حل مشکل بیکاری فردی که خودش مهارت ندارد از همه آسان‌تر است، چون با آموزش و کسب مهارت توسط خود فرد برطرف می‌شود (مسئله‌ی خرد). مشکل بیکاری افراد یک شهر نیازمند اصلاح نظام توزیع مشاغل است و دشوارتر است. بیکاری گسترده به دلیل نبود مشاغل کافی در جامعه، مسئله‌ای کلان است و حل آن به تغییر ساختارهای اقتصادی و سیاست‌های کلان نیاز دارد و از همه دشوارتر است.

4. گروه‌ها و سازمان‌ها در میانه‌ی طیف قرار می‌گیرند؛ زیرا از کنش‌های اجتماعی فردی بزرگ‌ترند و شامل افراد و نقش‌های متعددی هستند، ولی از پدیده‌هایی مانند فرهنگ و جامعه (که کل جهان اجتماعی را دربر می‌گیرند) کوچک‌ترند.

توشه ای برای موفقیت

۳۰ صفحه ۲۸ موقعیت یادگیری

شما پدیده‌های اجتماعی زیر را چگونه روی طیف ذهنی ـ عینی قرار می‌دهید؟ نظم، قوانین راهنمایی و رانندگی، علائم راهنمایی، سرعت‌گیر.

از ذهنی‌ترین تا عینی‌ترین: **نظم** (ارزش و مفهومی ذهنی و نامحسوس) ← **قوانین راهنمایی و رانندگی** (معنایی و نوشته‌شده، بیشتر ذهنی) ← **علائم راهنمایی** (نماد محسوس که معنایی را می‌رساند، میانه) ← **سرعت‌گیر** (عینی و محسوس‌ترین). همه‌ی آنها هر دو بعد را دارند و فقط میزان غلبه‌ی هر بعد فرق می‌کند.

۳۱ صفحه ۲۸ هم‌اندیشی کنید

با هم‌اندیشی جایگاه تقریبی پدیده‌های اجتماعی زیر را روی دو طیف خرد ـ کلان و ذهنی ـ عینی تعیین کنید: شهر، هدیه دادن برای روز تولد یک دوست، تصور من از معلم کلاس اول ابتدایی، عدالت اجتماعی.

جایگاه تقریبی پدیده‌ها

پدیده	طیف خرد ـ کلان	طیف ذهنی ـ عینی
شهر	کلان (نزدیک به جامعه)	عینی (بیشتر محسوس: ساختمان‌ها و خیابان‌ها، البته دارای بعد معنایی)
هدیه دادن برای روز تولد یک دوست	خرد (کنش اجتماعی فردی)	میانه (هدیه عینی است ولی معنای دوستی و احترام دارد)
تصور من از معلم کلاس اول ابتدایی	خرد	ذهنی
عدالت اجتماعی	کلان	ذهنی

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

۳۲ صفحه ۲۹ موقعیت یادگیری

در میان اعضای بدن، قلب و مغز به دلیل داشتن نقش اساسی در زنده ماندن موجود زنده، از اهمیت بیشتری نسبت به چشم و دست برخوردارند. به نظر شما کدام یک از پدیده‌های زیر، تأثیر حیاتی و تعیین‌کننده‌تری در جهان اجتماعی دارند؟ خانواده، تعلیم و تربیت، قانون، عدالت اجتماعی، لهجه‌های مختلف زبان، آداب جشن تولد، مد، جشن فارغ‌التحصیلی.

آیا همه‌ی اعضای یک موجود زنده، اهمیت یکسانی دارند؟ آیا قلب، مغز، چشم و دست از اهمیت یکسانی برخوردارند؟

نظر شما درباره‌ی اجزای مختلف جهان اجتماعی چیست؟ آیا همه‌ی آنها اهمیت یکسانی دارند؟

1. خانواده، تعلیم و تربیت، قانون و عدالت اجتماعی تأثیر حیاتی و تعیین‌کننده‌تری دارند؛ زیرا با تغییر یا حذف آنها جهان اجتماعی دچار فروپاشی یا دگرگونی اساسی می‌شود. در مقابل، لهجه‌های مختلف، آداب جشن تولد، مد و جشن فارغ‌التحصیلی سطحی‌ترند و می‌توانند تغییر کنند یا حذف شوند، بی‌آنکه جهان اجتماعی فرو ریزد. (اهمیت بیشتر برخی پدیده‌ها به معنای بی‌اهمیتی بقیه نیست.)
2. خیر. قلب و مغز که حیات موجود زنده به آنها وابسته است، اهمیت بیشتری از چشم و دست دارند؛ نبود آنها به مرگ می‌انجامد ولی نبود چشم یا دست حیات را از بین نمی‌برد.
3. همه‌ی اجزای جهان اجتماعی اهمیت یکسانی ندارند. برخی بخش‌ها به آسانی تغییر می‌کنند و تغییرشان تحول مهمی پدید نمی‌آورد (لایه‌های سطحی) و برخی نقش بنیادین دارند و حذف آنها جهان اجتماعی را فرو می‌ریزد (لایه‌های عمیق).

۳۳ صفحه ۳۰ **موقعیت یادگیری**

در سال گذشته با چهار لایه‌ی عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها آشنا شدید. به نظر شما عمیق‌ترین و سطحی‌ترین لایه‌های جهان اجتماعی کدام‌اند؟ چرا؟
به نظر شما جهان اجتماعی برای بقا چه نیازهایی دارد؟

1. عمیق‌ترین لایه‌ها **عقاید** (به‌ویژه عقاید کلان درباره‌ی جهان، جایگاه انسان، زندگی و مرگ) و پس از آن **ارزش‌ها** هستند و سطحی‌ترین لایه‌ها **هنجارها** و **نمادها**. دلیل: عقاید و ارزش‌ها تأثیرات همه‌جانبه و فراگیر دارند، تغییر آنها دشوار است و هنجارها و نمادها از آنها پیروی می‌کنند. هنجارها و نمادها بر حسب شرایط به‌آسانی تغییر می‌کنند و تغییرشان تا زمانی که به تغییر لایه‌های عمیق نینجامد، جهان اجتماعی را دگرگون نمی‌کند.
2. جهان اجتماعی هم مانند افراد نیازهایی دارد؛ مانند: تأمین نیازهای اقتصادی و معیشتی (غذا، مسکن، تولید و توزیع)، انتقال فرهنگ و تربیت نسل‌های بعد (تعلیم و تربیت)، تداوم نسل و تشکیل خانواده، امنیت و نظم و قدرت سیاسی و تصمیم‌گیری، پاسخ به نیاز معنوی و دینی (پرستش و حقیقت‌جویی) و ارتباط با دیگران.

۳۴ صفحه ۳۱ موقعیت یادگیری

نهادها در تمامی جهان‌های اجتماعی وجود دارند ولی انواع و اشکال متفاوتی دارند. آیا می‌دانید چرا؟

زیرا برای تأمین هر نیاز راه‌های مختلفی وجود دارد و هر جهان اجتماعی بر پایه‌ی عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خود یکی از این راه‌ها را می‌پذیرد. مثلاً همه‌ی جوامع نهاد خانواده یا اقتصاد دارند، ولی جامعه‌ای که هستی را به زندگی دنیا محدود می‌کند، با جامعه‌ای که هستی را فراتر از دنیا می‌بیند، شیوه‌ی پذیرفته‌شده‌ی تأمین نیازها (مثلاً راه کسب ثروت یا شکل ازدواج و خانواده) را متفاوت تعریف می‌کند.

۳۵ صفحه ۳۱ تفسیر و تکمیل کنید

جدول لایه‌های (عقاید، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها) نهادهای اجتماعی خانواده، تعلیم و تربیت، سیاست و اقتصاد را تفسیر و تکمیل کنید.

لایه‌های چهارگانه‌ی نهادهای اجتماعی (نمونه)

لایه	تعلیم و تربیت	خانواده	سیاست	اقتصاد
عقاید	انسان تربیت‌پذیر است.	انسان نیازمند همدم و پیوند خانوادگی است و ازدواج فطری و مایه‌ی آرامش است.	جامعه نیازمند رهبری و حکومت است و حاکمیت از آنِ خداوند است.	ثروت وسیله‌ی تأمین زندگی و رسیدن به سعادت است و روزی به دست خداست.
ارزش‌ها	دانایی از نادانی بهتر است.	مهربانی، وفاداری، احترام به پدر و مادر و پاکدامنی.	عدالت، امنیت، آزادی و استقلال.	کار و تلاش، حلال‌خواری، پرهیز از اسراف و رعایت انصاف.
هنجارها	برای دانا شدن باید به مدرسه رفت.	ازدواج با عقد و مراسم رسمی؛ نفقه؛ صله‌ی رحم؛ احترام به والدین.	رأی دادن در انتخابات؛ پیروی از قانون؛ پرداخت مالیات.	خرید و فروش با قرارداد؛ پرداخت دستمزد عادلانه؛ پرداخت خمس و زکات.
نمادها	دفتر، قلم، دانش‌آموز، کلاس و...	حلقه‌ی ازدواج، سفره‌ی عقد، شناسنامه و خانه.	پرچم، سرود ملی، مجلس و صندوق رأی.	پول، اسکناس، بازار و بانک.

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

۳۶ صفحه ۳۲ تمرین کنید

متن را به دقت مطالعه کنید و لایه‌های مختلف جهان اجتماعی اسلام و جهان اجتماعی عرب پیش از اسلام را استخراج کنید.

لایه‌های جهان اجتماعی جاهلی و اسلامی

لایه	جهان اجتماعی عرب پیش از اسلام (جاهلی)	جهان اجتماعی اسلام
عقاید	شرک و بت‌پرستی؛ نگاه قبیله‌ای و نژادی؛ دیدن جهان از افق قدرت قبایل مختلف	توحید و یکتاپرستی، وحی، عقل و علم، حقیقت، ایمان؛ در برابر آنها کفر و نفاق
ارزش‌ها	عصبیت قبیله‌ای، خون، شمشیر، شهوت و پول؛ شأن و حقوق هر فرد وابسته به منزلت قبیله‌اش؛ برتری علم انساب	تقوا، فضیلت، عدالت و قسط، صله‌ی رحم، عفت و شجاعت، جهاد و شهادت
هنجارها	روابط و مناسبات بر محور پیمان‌ها و قدرت قبایل؛ نبود قانونی فراتر از پیمان‌های قبیله‌ای	روابط بر محور اعتقاد به خدای یکتا؛ قرار گرفتن روابط دنیوی در خدمت معانی الهی و قدسی؛ توبیخ کسانی که روابط قبیله‌ای را بر دین مقدم می‌دارند
نمادها	بت‌ها و صورت‌های مربوط به قبایل در خانه‌ی خدا (کعبه)؛ شمشیر	زبان عربی که حامل کلام و بیان الهی شد؛ کعبه و نماد توحید (بت‌ها نابود شدند)

نکته: اسلام زبان مردم و بسیاری از مناسبات اجتماعی را حفظ کرد (لایه‌ی سطحی در خدمت اسلام قرار گرفت) اما عقاید و ارزش‌های بنیادی جاهلی (شرک، بت، ظلم و ربا) را حذف کرد و برخی مفاهیم دیگر (قبیله، عهد، غضب، شهوت) را بازخوانی کرد؛ ازاین‌رو جهان اجتماعی جدیدی پدید آمد.

۳۷ صفحه ۳۳ خلاصه‌ی درس

مفاهیم اساسی درس را بنویسید.

مطالب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید (خلاصه کنید).

آنچه از این درس آموختیم: جمله‌ها و گزاره‌ها را در قالب یک بند بنویسید.

مفاهیم اساسی: نهاد اجتماعی، پدیده‌های خرد و کلان، پدیده‌های ذهنی و عینی، لایه‌های سطحی، لایه‌های عمیق، عقاید، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها.

- اجزای جهان اجتماعی را می‌توان به‌صورت‌های مختلفی طبقه‌بندی کرد: بر اساس اندازه و دامنه (خرد و کلان) و بر اساس عینی یا ذهنی بودن.

- پدیده‌های اجتماعی از یک سو خرد (مانند کنش اجتماعی افراد) و از سوی دیگر کلان (مانند فرهنگ و جامعه) هستند.
- بعد ذهنی و معنایی پدیده‌های اجتماعی اهمیت بسیار دارد.
- لایه‌های جهان اجتماعی: لایه‌های عمیق (عقاید و ارزش‌ها) تأثیر همه‌جانبه دارند و کمتر تغییر می‌کنند؛ لایه‌های سطحی (هنجارها و نمادها) تأثیر محدودتری دارند و بیشتر در معرض تغییرند.
- نهاد اجتماعی مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهاست که برای رفع نیاز معینی از افراد و جهان اجتماعی اختصاص می‌یابد.
- خانواده، تعلیم و تربیت، سیاست و اقتصاد از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی‌اند.
- در مقایسه‌ی جهان اجتماعی با موجود زنده باید هم به شباهت‌ها و هم به تفاوت‌ها توجه کرد.

جهان اجتماعی همانند بدن اجزایی دارد که می‌توان آنها را بر اساس اندازه (خرد و کلان) و عینی یا ذهنی بودن طبقه‌بندی کرد. لایه‌های عمیق (عقاید و ارزش‌ها) در بنیان جهان اجتماعی‌اند و لایه‌های سطحی (هنجارها و نمادها) قابل تغییرترند. نهادهای اجتماعی از ترکیب این لایه‌ها برای رفع نیازهای افراد و جامعه شکل می‌گیرند.

۳۸ صفحه ۳۴ **موقعیت یادگیری**

به نظر شما جهان اجتماعی انسان‌ها نیز تنها یک شکل دارد؟

به نظر شما تفاوت میان جهان‌های اجتماعی، بیشتر مانند تفاوت میان شیر و آهو است یا مانند تفاوت میان شیرهای مختلف؟

آیا انسان‌ها تنها یک نوع جهان اجتماعی می‌سازند یا انواعی از جهان‌های اجتماعی را پدید می‌آورند؟ چرا؟

1. خیر. نظم و همکاری اعضای بدن موجودات زنده و زندگی گروهی حیواناتی مثل زنبور عسل همه‌جا و همیشه یکسان است، اما جهان اجتماعی انسان‌ها یک شکل ندارد و صورت‌های گوناگون دارد.
2. تفاوت جهان‌های اجتماعی بیشتر مانند تفاوت شیر و آهو است (تفاوت در ویژگی‌های اساسی و ذاتی: عقاید و ارزش‌های بنیادین)، نه مانند تفاوت شیرهای مختلف که در ویژگی‌های سطحی و عَرَضی‌اند؛ البته تفاوت‌هایی که فقط به لایه‌های سطحی (نمادها و هنجارها) مربوط باشند در درون یک جهان اجتماعی رخ می‌دهند.
3. انسان‌ها انواعی از جهان‌های اجتماعی را پدید می‌آورند؛ زیرا آگاهی، اراده و اختیار انسان‌ها متفاوت است و جهان اجتماعی بر پایه‌ی آنها ساخته می‌شود. برخلاف حیوانات که رفتارشان غریزی و ثابت است، انسان آگاه و آفریننده است.

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

۳۹ صفحه ۳۵ موقعیت یادگیری

علت تفاوت و تنوع جهان اجتماعی انسان‌ها چیست؟

بچه‌ی لاک‌پشتی که تازه از تخم خارج می‌شود، از ساحل به طرف دریا حرکت می‌کند و بدون راهنمایی بزرگ‌ترها وارد دریا می‌شود و به لاک‌پشت‌های دیگر می‌پیوندد، می‌داند چه چیزی را باید بخورد؛ از چنگ چه حیواناتی باید فرار کند و کدام یک از آنها با او کاری ندارند و... . به نظر شما چه نیرویی این جانور کوچک را راهنمایی می‌کند؟

1. علت تنوع جهان‌های اجتماعی، تنوع آگاهی و معرفت انسان‌ها و تنوع اراده و اختیار آنهاست. انسان در هر موقعیت ابتدا آن را برای خود تعریف و معنا می‌کند و سپس عمل می‌کند؛ او در برابر فرهنگ فقط پذیرنده نیست، بلکه کنشگری فعال و تأثیرگذار است و آگاهی‌ها و ارزش‌های متفاوت، جهان‌های اجتماعی مختلف می‌سازند.
2. غریزه؛ رفتار سایر موجودات زنده غریزی و ناآگاهانه است. غریزه کششی درونی است که موجود زنده را به انجام رفتارهای معینی وامی‌دارد؛ معلومات و مهارت‌هایی که از بدو تولد دارد، اکتسابی نیستند و قابلیت دست‌کاری و تغییر چندانی ندارند.

۴۰ صفحه ۳۶ موقعیت یادگیری

گاهی نوعی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد که مبتنی بر تبعیض نژادی است و گاهی در تقابل با آن، جهان اجتماعی دیگری شکل می‌گیرد که نژادها، زبان‌ها و اموری از این دست را عناصر اصلی به شمار نمی‌آورد. آیا می‌توانید برای هر کدام از این جهان‌های اجتماعی نمونه‌ای بیاورید؟

جهان اجتماعی شکل یکسانی ندارد و همواره تغییرات و تفاوت‌هایی در آن به وجود می‌آید؛ نسل‌ها در پی هم می‌آیند و می‌روند، شیوه‌های زندگی تفاوت پیدا می‌کنند، انقلاب‌ها رخ می‌دهند و... . آیا با هر کدام از این تفاوت‌ها، جهان اجتماعی جدیدی به وجود می‌آید؟

1. جهان اجتماعی مبتنی بر تبعیض نژادی: جامعه‌ی آفریقای جنوبی در زمان آپارتاید (جدایی نژادی) و جدایی نژادی در برخی ایالت‌های آمریکا؛ همچنین جهان اجتماعی عرب جاهلی با تعصب قبیله‌ای.
جهان اجتماعی غیرنژادی: جهان اجتماعی اسلام که نژاد و زبان را ملاک برتری نمی‌داند و ملاک را تقوا می‌شمارد (و برادری ایمانی را اساس قرار می‌دهد).
2. خیر. هر جهان اجتماعی تغییرات و تفاوت‌های مختلفی را درون خود می‌پذیرد (کم یا زیاد شدن جمعیت، رشد یا افول اقتصاد، تغییر زبان و لهجه) و هویت خود را حفظ می‌کند. فقط تفاوت‌هایی که به لایه‌های عمیق (عقاید و ارزش‌ها) مربوط باشد، جهان اجتماعی دیگری پدید می‌آورد.

۴۱ صفحه ۳۷ تحلیل کنید

شرک و بت‌پرستی و نگاه نژادی و قبیله‌ای، از اعتقادات و ارزش‌های بنیادی جهان اجتماعی شبه‌جزیره‌ی عربستان بود. توحید و یکتاپرستی و خلافت و کرامت انسان، از اعتقادات و ارزش‌های جهان اجتماعی اسلام است. با ظهور اسلام عقاید و ارزش‌های بنیادی جامعه‌ی جاهلی نابود شد و لایه‌های سطحی آن در خدمت اسلام قرار گرفت. بدین ترتیب زبان عربی حامل کلام و بیان الهی شد. تفاوت‌های جهان اجتماعی اسلام و جهان اجتماعی شبه‌جزیره عربستان جزو کدام دسته از تفاوت‌هاست؟

این تفاوت‌ها از نوع تفاوت‌های **میان دو جهان اجتماعی مختلف** است، نه تفاوت‌های درون یک جهان اجتماعی. زیرا این تفاوت‌ها مربوط به لایه‌های عمیق و بنیادین (عقاید و ارزش‌های کلان: شرک، قبیله‌گرایی و نژادپرستی در برابر توحید، کرامت انسان و خلافت الهی) است. تفاوت‌های مربوط به نمادها و هنجارها از نوع تفاوت‌های درون یک جهان اجتماعی‌اند، ولی با ظهور اسلام عقاید و ارزش‌های بنیادی جامعه‌ی جاهلی از بین رفت و جهان اجتماعی جدیدی پدید آمد؛ لایه‌های سطحی مانند زبان عربی حفظ شد ولی در خدمت جهان جدید قرار گرفت.

۴۲ صفحه ۳۷ موقعیت یادگیری

آیا جهان‌های اجتماعی در مسیر رشد و تحول خود نیز راه‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرند یا همه‌ی آنها ناگزیر از پیمودن مسیر واحدی هستند؟

در ادامه‌ی درس دو دیدگاه مطرح می‌شود: عده‌ای معتقدند همه‌ی جوامع مسیر واحدی را می‌پیمایند (نگاه خطی)، ولی دیدگاه صحیح‌تر آن است که جهان‌های اجتماعی بر پایه‌ی عقاید و ارزش‌های کلان خود، فرهنگ و تمدن متناسب با خود را می‌سازند و مسیرهای متفاوتی را در رشد و تحول طی می‌کنند. بنابراین جهان‌های اجتماعی تاریخ (سرگذشت و سرنوشت) یکسانی ندارند.

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

۴۳ صفحه ۳۸ موقعیت یادگیری

اروپایی‌ها یک ضرب‌المثل قدیمی دارند که «همه‌ی راه‌ها به رم ختم می‌شوند». آیا به‌راستی جهان‌های اجتماعی مسیر رشد یگانه‌ای دارند یا راه‌های متفاوتی را می‌پیمایند؟ آیا جهان‌های اجتماعی، تاریخ (سرگذشت و سرنوشت) یکسانی دارند؟

خیر. جهان‌های اجتماعی مسیر رشد یگانه‌ای ندارند و تاریخ یکسانی را طی نمی‌کنند. هر جهان اجتماعی براساس آرمان‌ها و ارزش‌های خود، فرهنگ و تمدن مخصوص به خود را می‌سازد و مسیر متفاوتی می‌پیماید؛ برخی تمدن‌ها مدت طولانی دوام می‌آورند و برخی پس از مدتی از بین می‌روند. بنابراین جهان‌های اجتماعی مثل غرب، اسلام، چین و هند در عرض هم‌اند نه در طول هم (برخلاف دیدگاه خطی که همه‌ی جوامع را روی یک خط، از ابتدایی تا پیشرفته می‌گذارد). این جهان‌ها می‌توانند از تجربیات یکدیگر استفاده کنند ولی با حفظ هویت خود نمی‌توانند مسیر دیگری را ادامه دهند.

۴۴ صفحه ۳۹ تفسیر کنید

اگرچه انسان امروزی براساس تجربیات واقعی، استعمار را به معنی استثمار (بهره‌کشی به ناحق از دیگران و دسترنج آنها) درمی‌یابد؛ ولی در سده‌های پیشین، نظریه‌ی استعمار به معنای طلب آبادانی برای جوامع عقب‌مانده بود. درباره‌ی نظریه‌ی استعمار، تحقیق کنید. این نظریه محصول کدام یک از دیدگاه‌های بالا بود؟ نظریه‌ی استعمار را براساس آن دیدگاه، تفسیر کنید.

نظریه‌ی استعمار (به معنای آباد کردن و متمدن ساختن) محصول دیدگاه اول، یعنی **نگاه خطی به تاریخ** (جهان‌های اجتماعی در طول هم) بود. براساس این دیدگاه همه‌ی جوامع یک مسیر واحد رشد را می‌پیمایند؛ جوامع غربی پیشرفته‌ترین جوامع و الگوی حرکت هستند و جوامع دیگر عقب‌مانده و در مراحل «کودکی» به شمار می‌آیند. نتیجه این بود که کشورهای غربی خود را موظف می‌دانستند با حضور در سرزمین‌های دیگر و تحمیل فرهنگ، نظام اجتماعی و اقتصاد خود، آنها را آباد و متمدن کنند. در واقع این نظریه با بهانه‌ی «آبادانی»، سلطه و بهره‌کشی (استثمار) از ملت‌ها و غارت منابع آنها را توجیه می‌کرد و تنوع فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و استعداد آنها را نادیده می‌گرفت.

۴۵ صفحه ۴۰ خلاصه‌ی درس

مفاهیم اساسی درس را بنویسید.

مطالب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید (خلاصه کنید).

آنچه از این درس آموختیم: جمله‌ها و گزاره‌ها را در قالب یک بند بنویسید.

مفاهیم اساسی: تنوع جهان‌های اجتماعی، جهان‌های اجتماعی در طول هم، جهان‌های اجتماعی در عرض هم، تفاوت‌های درون یک جهان اجتماعی و میان جهان‌های اجتماعی، غریزه.

- انسان‌ها در جهان‌های اجتماعی مختلفی زندگی می‌کنند.
- رفتار سایر موجودات زنده غریزی است ولی انسان آگاه و آفریننده است؛ تنوع آگاهی‌ها و اراده‌های انسان‌ها سبب پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود.
- تفاوت‌های مربوط به لایه‌های سطحی (هنجارها و نمادها) درون یک جهان اجتماعی رخ می‌دهد؛ تفاوت‌های مربوط به لایه‌های عمیق (عقاید و ارزش‌های کلان) جهان اجتماعی دیگری پدید می‌آورد.
- برخی جامعه‌شناسان جهان‌های اجتماعی را شبیه به هم و در طول هم (در یک خط) می‌دانند؛ دیدگاه دیگر جهان‌های اجتماعی را متنوع و در عرض هم می‌داند که مسیرهای متفاوتی را می‌پیمایند.
- جهان اجتماعی زنده با حفظ هویت خود از تجربه‌ی دیگر جهان‌ها استفاده می‌کند.

انسان‌ها برخلاف حیوانات، بر پایه‌ی آگاهی و اراده، جهان‌های اجتماعی متنوعی می‌سازند. تفاوت در لایه‌های سطحی درون یک جهان اجتماعی رخ می‌دهد ولی تفاوت در عقاید و ارزش‌های بنیادی، جهان اجتماعی دیگری می‌آفریند. جهان‌های اجتماعی تاریخ و مسیر یکسانی ندارند و در عرض هم‌اند نه در طول هم.

۴۶ صفحه ۴۱ موقعیت یادگیری

آیا این بدان معناست که ما همواره می‌توانیم هرگونه بخواهیم جهان اجتماعی را بسازیم یا تغییر دهیم؟ یا اینکه جهان اجتماعی پیامدهایی دارد که بر اراده و فعالیت‌های ما تأثیر می‌گذارد؟
یکی از جامعه‌شناسان می‌گوید سهم مردگان در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از سهم زندگان است؛ یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از ماست. همچنان‌که سهم ما در ساختن جهان آیندگان بیش از آنهاست. شما چه فکر می‌کنید؟
کلاس درس خود را در نظر بگیرید و سهم خودتان، معاصران و پیشینیان را در شکل‌گیری آن، شناسایی کنید. سهم کدام یک قابل انکار است؟

1. خیر؛ جهان اجتماعی با آگاهی و اراده‌ی انسان‌ها ساخته می‌شود، اما پس از شکل‌گیری، پیامدها و الزاماتی (فرصت‌ها و محدودیت‌ها) دارد که به قرارداد و اراده‌ی تک‌تک افراد وابسته نیست و موقعیت جدیدی برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما فراهم می‌کند. پس ما هرگونه بخواهیم نمی‌توانیم جهان اجتماعی را بسازیم یا تغییر دهیم.

2. این سخن تا حد زیادی درست است؛ ما در جهانی متولد می‌شویم که پیشینیان ساخته‌اند و زبان، باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نهادهای آن (مانند مدرسه، قانون، خانواده و شهر) از آنها به ما رسیده و بر زندگی ما شکل می‌دهد. در عین حال ما نیز با کنش‌های خود، جهان آیندگان را می‌سازیم و بخشی از آن را تغییر می‌دهیم؛ پس مسئولیت ما در قبال آیندگان سنگین است.

3. سهم پیشینیان: ساختن مدرسه و ساختمان، تعیین برنامه‌ی درسی و قوانین مدرسه، زبان و دانش و کتاب. سهم معاصران: معلم و مدیر و مسئولان، دانش‌آموزان قبلی و فعلی که فضای کلاس را شکل می‌دهند. سهم خودمان: رعایت یا نقض قوانین، مشارکت در بحث‌ها و فضای کلاس. سهم هیچ‌کدام قابل انکار نیست؛ اما اثر پیشینیان معمولاً بنیادی‌تر است و دانش‌آموزان فعلی بیشتر در لایه‌های سطحی مؤثرند.

۴۷ صفحه ۴۳ **تحلیل کنید**

برابر مقررات، همراه داشتن جزوه و کتاب درسی در جلسه‌ی امتحان ممنوع است. فرصت‌ها و محدودیت‌های این ممنوعیت را تحلیل کنید.

- **محدودیت‌ها:** دانش‌آموز نمی‌تواند از جزوه و کتاب استفاده کند و باید مطالب را حفظ یا فهم کرده باشد؛ اگر آمادگی نداشته باشد در تنگنا قرار می‌گیرد.
- **فرصت‌ها:** ارزیابی عادلانه و برابر از میزان یادگیری همه‌ی دانش‌آموزان؛ تشویق به مطالعه و یادگیری عمیق؛ جلوگیری از تقلب و حفظ ارزش نمره و مدرک؛ اعتماد جامعه به نتیجه‌ی ارزشیابی.
- این ممنوعیت نمونه‌ای از این است که فرصت‌ها و محدودیت‌ها به هم وابسته‌اند و دو روی یک سکه‌اند.

۴۸ صفحه ۴۳ **موقعیت یادگیری**

برخی گمان می‌کنند پیامدهای جهان اجتماعی محدودکننده‌ی افراد است و برخی دیگر معتقدند که فرصت‌های جدیدی برای انسان پدید می‌آورد. شما در این باره چه فکر می‌کنید؟
آیا یک خانه می‌تواند تنها از در، یا تنها از دیوار ساخته شده باشد؟
منظور از فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی چیست؟

1. هر دو دیدگاه تا حدی درست‌اند؛ پیامدهای جهان اجتماعی هم محدودیت می‌آورند و هم فرصت، و این دو از هم جدا نیستند. مثلاً قوانین راهنمایی و رانندگی ما را محدود می‌کنند ولی رفت و آمد ایمن و سریع را ممکن می‌سازند.

2. خیر. اگر خانه فقط دیوار باشد ورود و خروج غیرممکن می‌شود و اگر همه‌اش در و پنجره باشد، امنیت و آرامش اهل خانه تأمین نمی‌شود؛ هر خانه به هر دو نیاز دارد.

3. جهان اجتماعی در قالب فرصت‌ها و محدودیت‌ها (بایدها و نبایدها) تحقق می‌یابد. فرصت‌ها امکان‌هایی‌اند که جهان اجتماعی برای کنش‌های ما پدید می‌آورد و محدودیت‌ها الزام‌ها و قیدهایی‌اند که انتخاب‌های ما را محدود می‌کنند (مانند در و دیوار برای خانه)؛ به صورت حقوق و تکالیف افراد ظاهر می‌شوند.

۴۹ صفحه ۴۴ موقعیت یادگیری

قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را در نظر بگیرید. این قواعد را انسان‌ها وضع می‌کنند. اجرای این مقررات برای رانندگان و عابران محدودیت‌هایی پدید می‌آورد. آیا می‌توانید بعضی از این محدودیت‌ها را نام ببرید؟

به نظر شما اگر مقررات راهنمایی و رانندگی برداشته شود چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا در آن صورت رانندگان و عابران می‌توانند با ایمنی تردد کنند؟

1. توقف پشت چراغ قرمز، رعایت سرعت مجاز، بستن کمربند ایمنی، حرکت در جهت مشخص‌شده و در خط مخصوص، ممنوعیت سبقت غیرمجاز و پارک در محل ممنوع، عبور عابران فقط از محل‌های مشخص (خط عابر پیاده).
2. هرج‌ومرج پدید می‌آید، تصادفات و ترافیک بیشتر می‌شود و رانندگان و عابران نمی‌توانند با ایمنی و سرعت تردد کنند. پس این مقررات با آنکه محدودیت می‌آورند، فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز فراهم می‌کنند.

۵۰ صفحه ۴۵ تحلیل کنید

در فعالیت آخر درس اول از شما خواسته شده است آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی مدثر را تحلیل کنید. اکنون دوباره تلاش کنید و این آیه را دقیق‌تر تحلیل کنید. («آدمی در گرو عمل خویش است»)

آیه نشان می‌دهد انسان در گرو و وابسته‌ی کنش‌های خویش است؛ اما پس از آنکه جهان اجتماعی با کنش‌ها ساخته شد، پیامدهای آن (فرصت‌ها و محدودیت‌ها) بر زندگی ما اثر می‌گذارند. بنابراین ما در گرو کنش‌های خود و نیز کنش‌های گذشتگان و معاصران خود (که جهان اجتماعی را ساخته‌اند) هستیم. هر کس مسئول کنش‌های خویش است و باید با آگاهی از پیامدها، در ساختن و تداوم جهان اجتماعی مشارکت کند. همچنین چون کنش‌های ما فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای دیگران (و آیندگان) ایجاد می‌کند، در برابر آنها نیز مسئولیم.

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

۵۱ صفحه ۴۵ گفت‌وگو کنید

در طول تاریخ عدالت اجتماعی یکی از آرمان‌های اصیل انسانی بوده است. به نظر شما رابطه‌ی دوسویه‌ی نظم و آزادی در جامعه‌ی عادل چگونه است؟

در جامعه‌ی عادل، نظم و آزادی با هم تعارض ندارند، بلکه یکدیگر را تکمیل می‌کنند. آزادی افراد فقط در سایه‌ی نظم اجتماعی ممکن می‌شود (مثلاً وقتی همه قانون را رعایت می‌کنند، هر کس می‌تواند با امنیت رفت و آمد کند و کار کند)، و نظم عادلانه به معنای محروم کردن افراد از آزادی نیست؛ زیرا قوانین عادلانه حقوق همه را به‌طور برابر حفظ می‌کنند و مانع تجاوز افراد به حقوق یکدیگر می‌شوند. اگر نظم ظالمانه باشد، آزادی را از بین می‌برد و اگر آزادی بدون نظم باشد، قوی بر ضعیف ستم می‌کند و عدالت از بین می‌رود.

۵۲ صفحه ۴۶ تأمل کنید

فرصت‌ها و محدودیت‌ها یا بایدها و نبایدهای جهان اجتماعی به صورت حقوق و تکالیف افراد ظاهر می‌شوند. حقوق و تکالیف، به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. برای شناخت عمیق‌تر فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی، چند نمونه از حقوق و تکالیف خود را به عنوان عضو خانواده، مدرسه و کشور جمهوری اسلامی ایران نام ببرید.

نمونه‌ی حقوق و تکالیف

جایگاه	حقوق	تکالیف
عضو خانواده	برخورداری از محبت، غذا، پوشاک، مسکن و تحصیل؛ حمایت والدین	احترام به پدر و مادر و بزرگ‌ترها؛ همکاری در کارهای خانه؛ رعایت نظم و صداقت در خانه
دانش‌آموز مدرسه	آموزش با کیفیت؛ احترام و امنیت؛ بهره‌مندی از امکانات مدرسه	حضور به‌موقع؛ رعایت قوانین و احترام به معلمان؛ انجام تکالیف؛ حفظ اموال مدرسه
شهروند جمهوری اسلامی ایران	آموزش و بهداشت؛ امنیت؛ آزادی‌های قانونی؛ مشارکت در انتخابات	رعایت قوانین؛ پرداخت مالیات؛ دفاع از کشور؛ حفظ منافع و محیط زیست

irantooshe.ir

۵۳ صفحه ۴۶ موقعیت یادگیری

منظور از جهان متجدد، غرب بعد از رنسانس یعنی جهان غرب چهارصد سال اخیر است. به نظر شما ویژگی‌های این جهان کدام‌اند؟

جهان متجدد جهانی دنیوی و این‌جهانی است: به زندگی دنیا و تسلط انسان بر طبیعت توجه دارد؛ بر علوم تجربی و فناوری تکیه می‌کند؛ عقل و علم را به عقل ابزاری و تجربی محدود می‌داند؛ ارزش‌های معنوی و دینی را به حاشیه می‌راند؛ و به رشد صنعت، شهرنشینی و رفاه مادی اهمیت زیاد می‌دهد. (شرح بیشتر در متن درس آمده است.)

۵۴ صفحه ۴۷ موقعیت یادگیری

این سه جهان (دنیوی، اساطیری، توحیدی) چه تصویری از طبیعت دارند و چگونه با آن تعامل می‌کنند؟ جهان متجدد، چه نوع جهان اجتماعی است و چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارد؟

1. **جهان دنیوی:** طبیعت هیچ معنا، هدف و غایتی ندارد و ماده‌ی خامی در اختیار انسان است که هر طور بخواهد در آن دخل و تصرف می‌کند (بهره‌وری بی‌نظیر ولی بحران‌های زیست‌محیطی). **جهان اساطیری:** طبیعت را قلمرو قدرت‌های فوق‌طبیعی و محصور رازها و افسون‌ها می‌بیند و این باور بهره‌وری معقول از طبیعت را دشوار می‌کند (مانند منع خوردن گیاهان و حیوانات). **جهان توحیدی:** طبیعت موجودی زنده و آیت و نشانه‌ی خداوند حکیم است که به خواست او مسخر انسان شده؛ انسان خلیفه‌ی الهی و مسئول عمران و آبادانی آن است و تصرفاتش به اراده‌ی حکیمانه‌ی الهی مقید است.
2. جهان متجدد، جهانی دنیوی (سکولار) است که با رویکرد این‌جهانی به دنبال بهره‌مندی از زندگی دنیوی و تسلط بر طبیعت است. **فرصت‌ها:** رشد علوم تجربی و فناوری (عقلانیت ابزاری) که امکان پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث و مسائل طبیعی مانند بیماری، زلزله و سیل را می‌دهد و رفاه و پیشرفت مادی. **محدودیت‌ها:** رواج کنش‌های حسابگرانه‌ی دنیوی و تنگ شدن عرصه بر کنش‌های عاطفی و اخلاقی؛ گرفتار شدن انسان در «قفس آهنین» نظام اجتماعی پیچیده و از دست رفتن اراده و آزادی؛ طرد عناصر معنوی و مقدس؛ و زوال عقلانیت ذاتی (از دست رفتن دانش اهداف و ارزش‌ها) و رها شدن داوری درباره‌ی ارزش‌ها به تمایلات افراد.

۵۵ صفحه ۴۹ تفسیر کنید

فیلم سینمایی «عصر جدید» را ببینید و تصویری را که چارلی چاپلین از انسان معاصر ارائه می‌کند، تفسیر کنید.

چاپلین در فیلم، انسان معاصر را کارگری نشان می‌دهد که در کارخانه به بخشی از ماشین و خط تولید تبدیل شده است؛ باید با سرعت و با حرکات تکراری و مکانیکی کار کند، فرصت فکر کردن، احساس و اراده ندارد و حتی استراحت و غذا خوردن او را نیز دستگاه‌ها تنظیم می‌کنند. این تصویر همان «قفس آهنین» وبر است: در جهان متجدد کنش‌های حسابگرانه و ابزاری که در پی سود و کارایی‌اند، بر همه‌ی ابعاد زندگی غلبه می‌کنند و انسان را اسیر نظام پیچیده‌ی اجتماعی ساخته‌ی خودش می‌کنند که اراده و آزادی او را از او می‌گیرد؛ ارزش‌های عاطفی و اخلاقی و معنوی کنار می‌روند و انسان به ابزار تبدیل می‌شود.

۵۶ صفحه ۴۹ موقعیت یادگیری

آیا راهی عقلانی و علمی برای ارزیابی فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان‌های اجتماعی وجود دارد؟

بله. اگر علم را به علوم تجربی محدود نکنیم، علوم عقلی و وحیانی نیز علم‌اند و می‌توانند درباره‌ی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری که پدیده‌هایی فراتجربی‌اند داوری کنند. با این علوم می‌توان آرمان‌ها و ارزش‌های هر جهان اجتماعی و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را که پدید می‌آورد (مثلاً اینکه استعدادهای انسان را شکوفا می‌کند یا نادیده می‌گیرد) با معیارهای حق و باطل ارزیابی کرد. (در درس بعد بیشتر توضیح داده می‌شود.)

۵۷ صفحه ۵۰ خلاصه‌ی درس

مفاهیم اساسی درس را بنویسید.

مطالب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید (خلاصه کنید).

آنچه از این درس آموختیم: جمله‌ها و گزاره‌ها را در قالب یک بند بنویسید.

مفاهیم اساسی: جهان متجدد، فرصت‌ها و محدودیت‌ها، حقوق و تکالیف، جهان دنیوی (سکولار)، جهان معنوی (توحیدی و اساطیری)، عقلانیت ابزاری، قفس آهنین.

- جهان اجتماعی با آگاهی و اراده‌ی انسان‌ها پدید می‌آید ولی پس از آن پیامدها و الزام‌هایی دارد که به قرارداد و اراده‌ی تک‌تک افراد وابسته نیست.
- هر جهان فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارد؛ این دو به هم وابسته‌اند و دو روی یک سکه‌اند و به صورت حقوق و تکالیف ظاهر می‌شوند.

- ما در برابر پیامدهای جهان اجتماعی صرفاً منفعل نیستیم؛ می‌توانیم آن را ادامه دهیم، گسترش دهیم یا به سوی جهان جدیدی حرکت کنیم.
- جهان‌های اجتماعی بر اساس فرهنگ به دنیوی و معنوی (توحیدی و اساطیری) تقسیم می‌شوند و تصویر متفاوتی از طبیعت دارند.
- جهان متجدد جهانی دنیوی است: گسترش عقلانیت ابزاری (علم تجربی و فناوری) و غلبه‌ی کنش‌های عقلانی دنیوی، فرصت‌ها و پیشرفت می‌آورد، ولی به قفس آهنین، طرد معنویت و زوال عقلانیت ذاتی می‌انجامد.

جهان اجتماعی را انسان می‌سازد ولی پس از ساخته شدن، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای او ایجاد می‌کند که دو روی یک سکه‌اند. هر جهان اجتماعی را می‌توان با فرصت‌ها و محدودیت‌هایش سنجید؛ مثلاً جهان متجدد با تکیه بر علم تجربی، قدرت و رفاه دنیوی می‌آورد ولی انسان را در قفس آهنین گرفتار می‌کند و از معنویت و ارزش‌ها دور می‌سازد.

---

۵۸ صفحه ۵۱ **موقعیت یادگیری**

ارزش‌ها، راهنمای کنش اعضای جهان اجتماعی‌اند. وقتی مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، ارزش‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند. ولی آیا مردم همواره مطابق ارزش‌های جهان اجتماعی خود عمل می‌کنند؟
آیا تمامی افراد و گروه‌ها برای تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های جهان اجتماعی، به مسئولیت‌هایشان عمل می‌کنند؟

1. خیر. مردم همیشه مطابق ارزش‌ها عمل نمی‌کنند؛ هرچند برخی ارزش‌ها را اکثر مردم رعایت می‌کنند، بعضی گروه‌ها یا افراد برخی از آنها را در عمل رعایت نمی‌کنند (مثلاً دروغ‌گویی و رشوه را ناروا می‌دانند ولی گاه مرتکب می‌شوند).
2. خیر. با اینکه هر عضو جهان اجتماعی مسئولیتی در قبال تحقق ارزش‌ها دارد، همه‌ی افراد و گروه‌ها به مسئولیت‌هایشان عمل نمی‌کنند؛ به همین دلیل فاصله‌ای میان آنچه مردم باید انجام دهند (آرمان) و آنچه عملاً انجام می‌دهند (واقعیت) پدید می‌آید.

---

۵۹ صفحه ۵۳ **نمونه بیاورید**

در جدول زیر، سه نمونه از آرمان‌های جامعه‌ی خود را بنویسید که کمابیش بیرون از قلمرو واقعی یا درون آن قرار گرفته‌اند.

آرمان‌ها

بیرون از قلمرو واقعی	درون قلمرو واقعی
ناپسند بودن اسراف و تبذیر	استکبارستیزی
ساده‌زیستی	احترام به پدر و مادر
رعایت کامل قوانین راهنمایی و رانندگی و حقوق دیگران در خیابان	کمک به هم‌نوع و همدلی در حوادث (مانند زلزله و سیل)

توضیح: آرمان‌هایی که مردم رعایت آنها را لازم می‌دانند ولی در عمل کمتر به آنها عمل می‌کنند (مانند صرفه‌جویی و ساده‌زیستی) از قلمرو واقعی فاصله دارند؛ و آرمان‌هایی که اکثر مردم عملاً به آنها پایبندند، درون قلمرو واقعی‌اند.

۶۰ صفحه ۵۳ موقعیت یادگیری

آیا همه‌ی آرمان‌ها درست‌اند تا واقعیت‌ها را براساس آنها ارزیابی کنیم؟ آیا راهی برای ارزیابی آرمان‌ها وجود دارد؟

همه‌ی آرمان‌ها لزوماً درست نیستند؛ گاهی جوامع آرمان‌هایی باطل مانند نژادپرستی یا ثروت‌اندوزی دارند. بنابراین خود آرمان‌ها را نیز باید ارزیابی کرد. راه ارزیابی آنها، معیارهای حق و باطل است که با علم متناسب (علوم عقلی و وحیانی برای عقاید و ارزش‌های کلان، و علوم تجربی برای فنون و روش‌ها) شناخته می‌شود.

۶۱ صفحه ۵۴ موقعیت یادگیری

حال، خود آرمان‌ها را چگونه ارزیابی کنیم؟ آیا آرمان‌ها همواره حق‌اند؟ یا ممکن است برخی از آنها باطل باشند؟

آرمان‌ها همواره حق نیستند و ممکن است برخی باطل باشند. عقاید، ارزش‌ها و قواعدی که مردم دارند گاهی درست و گاهی اشتباه است. هر بخش از جهان اجتماعی که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و بر پایه‌ی خرافات شکل گرفته باشد، باطل است و بخش‌هایی که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، حق است. مثلاً توحید، وفای به عهد، مدارا با دیگران، دفاع از مظلومان و عدالت حق‌اند و ظلم، بی‌عدالتی، شرک و دنیاپرستی باطل. حق و باطل بودن هر لایه با علم متناسب با آن لایه شناخته می‌شود: علوم تجربی درباره‌ی فنون و روش‌های اجرایی داوری می‌کنند ولی حق و باطل بودن عقاید و ارزش‌های کلان را با علوم عقلی و وحیانی می‌توان شناخت.

۶۲ صفحه ۵۵ نمونه بیاورید

سه نمونه از آرمان‌های حق را که در اغلب یا همه‌ی فرهنگ‌ها حضور دارند، نام ببرید. (وفای به عهد، راست‌گویی، ...)

وفای به عهد، راست‌گویی، و **عدالت‌خواهی** (می‌توان نمونه‌هایی چون امانت‌داری، احترام به پدر و مادر، کمک به نیازمندان و حمایت از مظلومان را نیز آورد).

۶۳ صفحه ۵۵ موقعیت یادگیری

آیا حق و باطل نیز این‌گونه‌اند و در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، جابه‌جا و دچار تغییر می‌شوند؟ یا حق و باطل، مستقل از پذیرش یا عدم پذیرش جهان‌های اجتماعی‌اند؟

حق و باطل مستقل از پذیرش یا عدم پذیرش جهان‌های اجتماعی‌اند و با تغییر زمان و مکان تغییر نمی‌کنند. آنچه تغییر می‌کند قرار گرفتن پدیده‌ها در قلمرو آرمانی یا واقعی است (مثلاً امنیت برای کشور آشوب‌زده در قلمرو آرمانی و برای جامعه‌ی بسامان در قلمرو واقعی است؛ استقلال سیاسی ایران پیش از انقلاب آرمان بود و با انقلاب واقعیت شد)، ولی حقانیت و بطلان آنها وابسته به خواست و عمل مردم نیست. جهان‌های اجتماعی می‌توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند، اما حق و باطل بر مدار بینش و گرایش آنها دچار تغییر نمی‌شود.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.
irantooshe.ir

۶۴ صفحه ۵۶ موقعیت یادگیری

چاپلوسی همیشه و همه‌جا عملی ناپسند بوده است. در چاپلوسی چه اتفاقی می‌افتد؟
برخی جهان‌های اجتماعی، حق و باطل بودن پدیده‌ها را به خواست و عمل افراد در موقعیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، وابسته می‌دانند و هیچ حقیقتی را ورای خواست و اراده‌ی افراد به رسمیت نمی‌شناسند. آیا به‌راستی حق و باطل بودن پدیده‌ها، به تمایلات افراد وابسته است؟

1. در چاپلوسی، شخص به‌جای گفتن حقیقت، آنچه را که مخاطب (به‌ویژه صاحب قدرت) دوست دارد می‌گوید؛ یعنی حق و باطل را تابع خواست و میل دیگران قرار می‌دهد و حقیقت را فدای منفعت می‌کند. همان‌طور که ندیم سلطان محمود یک بار بادمجان را مدح و بار دیگر نکوهش می‌کند. به همین دلیل چاپلوسی ناپسند است.

2. خیر. حق و باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌ها بر اساس آگاهی یا جهل و توجه یا بی‌توجهی مردم جهان‌های اجتماعی مختلف تعیین نمی‌شود. مثلاً نژادپرستی، استکبار، پول‌پرستی و شرک باطل‌اند و باطل بودنشان با نوع مواجهه‌ی جوامع تغییر نمی‌کند؛ همچنین آزادی انسان‌ها از موانع سعادت، عدالت و توحید حق‌اند و موافقت یا مخالفت آدمیان در حقانیت آنها اثر ندارد.

۶۵ صفحه ۵۷ بخوانیم و بدانیم

غربی‌ها خیلی سرد و بی‌احساس‌اند یا ایرانی‌ها بیش از حد ضعیف و احساساتی‌اند؟ (درباره‌ی تفاوت مراسم سوگواری و تشییع جنازه)

هیچ‌کدام. هر رسم و سنتی درون فرهنگ خود معنا و کارکردی دارد و درست نیست فرهنگ دیگران را بر اساس فرهنگ خودمان نقد و ارزیابی کنیم (مثلاً غربی‌ها اندوه را با آرامی و پنهان بروز می‌دهند و ایرانی‌ها آشکارا گریه می‌کنند؛ هر یک شیوه‌ی ابراز غم در فرهنگ خود است، نه نشانه‌ی سردی یا ضعف). با این حال به این معنا نیست که ارزیابی و داوری عقلانی و علمی فرهنگ‌ها ناممکن است؛ می‌توانیم فرهنگ خود و دیگران را براساس معیارهای حق ارزیابی کنیم و میزان نزدیکی یا دوری هر فرهنگ را از حق مشخص کنیم (مثلاً نقد پرخوری یا بی‌عدالتی در یک فرهنگ).

۶۶ صفحه ۵۸ شناسایی کنید

پدیده‌های باطلی در قلمرو آرمانی و واقعی بعضی جهان‌های اجتماعی وجود دارد. آیا می‌توانید مواردی را شناسایی کنید؟ (ارزش‌ها و هنجارهای باطل: تکاثر (مال‌اندوزی)، قبیله‌گرایی، ...)

ارزش‌ها و هنجارهای باطل

قلمرو آرمانی	قلمرو واقعی
تکاثر (مال‌اندوزی)	تکاثر (مال‌اندوزی)
قبیله‌گرایی	قبیله‌گرایی
نژادپرستی و برتر دانستن یک قوم	تبعیض نژادی (مانند آپارتاید)
دنیاپرستی و پول‌پرستی	مصرف‌گرایی و رقابت‌های مالی
شرک و بت‌پرستی	پرستش بت‌ها و قدرت‌های خیالی
استکبار و سلطه بر دیگر جوامع	استعمار و بهره‌کشی از ملت‌ها

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

۶۷ صفحه ۵۹ خلاصه‌ی درس

مفاهیم اساسی درس را بنویسید.

مطالب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید (خلاصه کنید).

آنچه از این درس آموختیم: جمله‌ها و گزاره‌ها را در قالب یک بند بنویسید.

مفاهیم اساسی: آرمان اجتماعی، قلمرو آرمانی، قلمرو واقعی، حق، باطل، ارزیابی جهان‌های اجتماعی.

- مجموعه‌ی اهداف و ارزش‌های مشترکی که اعضای یک جهان اجتماعی خواهان رسیدن به آنها هستند، «آرمان اجتماعی» نام دارد.
- ارزش‌هایی که مردم از آنها جانب‌داری می‌کنند و رعایتشان را لازم می‌دانند، قلمرو آرمانی و ارزش‌هایی که به آنها عمل می‌کنند، قلمرو واقعی جهان اجتماعی را می‌سازد.
- قلمرو واقعی و آرمانی به روی هم گشوده‌اند و مرز آنها با عمل مردم تغییر می‌کند.
- واقعیت‌های هر جهان اجتماعی را در پرتو آرمان‌های آن می‌توان ارزیابی کرد و خود آرمان‌ها را نیز با معیار حق و باطل.
- حق و باطل بودن عقاید و ارزش‌ها را با علوم عقلی و وحیانی می‌توان شناخت و علوم تجربی برای فنون و روش‌ها کاربرد دارند.
- حق و باطل مستقل از پذیرش جهان‌های اجتماعی‌اند؛ جهان‌های اجتماعی می‌توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند ولی حق و باطل بر مدار آنها تغییر نمی‌کند.
- داوری درباره‌ی فرهنگ‌ها باید براساس معیارهای حق انجام شود نه براساس فرهنگ خودمان.

هر جهان اجتماعی آرمان‌هایی دارد که قلمرو آرمانی آن را می‌سازد و بخشی از آنها در عمل مردم تحقق می‌یابد (قلمرو واقعی). واقعیت‌ها را با آرمان‌ها و آرمان‌ها را با معیار حق و باطل می‌توان ارزیابی کرد. حق و باطل ثابت‌اند و تابع خواست جوامع نیستند؛ جوامع می‌توانند به حق نزدیک یا از آن دور شوند.

تـوشـه ای بـرای مـوفقیت